

## فرایند تغییرات فرهنگی ایرانیان (تحلیل روایت تغییرات چند فرد ایرانی در چند دهه اخیر)

حسن رضایی بحرآباد<sup>۱</sup>، علی اکبر مجدی<sup>۲</sup>، رامپور صدرنبوی<sup>۳</sup>، حسین بهروان<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۱، تاریخ تایید: ۹۷/۱۱/۲۵

### چکیده

یکی از موضوعات اساسی همبسته با توسعه و نوسازی، تغییرات فرهنگی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند در چند دهه اخیر باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حال تغییر بوده است. همچنین سمت‌وسوی این تغییر از سنتی و مذهبی به سمت عرفی و مدرن شدن و شدت آن نیز در میان طبقه تحصیلکرده جامعه بیشتر بوده است، اما عمده تحقیقات انجام شده تا کنون، ناظر به میزان، گستره و عوامل مؤثر بر این تغییرات بوده‌اند. این پژوهش با رویکرد فردگرایی روش‌شناختی در پی شناخت «فرایند» این تغییرات است و می‌خواهد دریابد تغییرات فرهنگی در یک فرد به چه صورت، چگونه و چرا اتفاق می‌افتند و مکانیزم این تغییر چیست؟ برای این منظور با استفاده از روش کیفی روایت‌پژوهی به بررسی و تحلیل روایت زندگی ۸ فرد پرداخته شده است. اگرچه شناخت دقیق فرایند تغییر، مستلزم مطالعه کامل روایت‌ها و تحلیل آنهاست، اما اجمالاً نتایج پژوهش نشان می‌دهند که تفاوت میان پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه و ایجاد ناهماهنگی شناختی، تغییر منابع شناختی و دیگری‌های مهم زندگی فرد، منجر به تغییرات فرهنگی او در طول زمان می‌شوند. همچنین الگوهای تغییر در مردان عمدتاً متأثر از وقایع کلان سیاسی و اجتماعی و در مورد زنان مبتنی بر تجارب زیسته و احوالات شخصی است.

**واژگان کلیدی:** تغییر فرهنگی، فرایند، روایت‌پژوهی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱ دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد

Rezaebahrabad@gmail.com

Majdi@um.ac.ir

۲ عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

S.nabavi@um.ac.ir

۳ عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

Behravan@um.ac.ir

۴ عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

### تعریف، صورت‌بندی و سوابق مسئله

یکی از مهم‌ترین و فراگیرترین تحولات و تغییراتی که جوامع معاصر را متأثر کرده است، فرایند توسعه است که از آن همراه با مفاهیم مانند نوسازی، صنعتی‌شدن، مدرنیته یا تجدد یاد می‌شود. دانیل لرنر نوسازی یا مدرنیته را یک فرایند تغییر اجتماعی می‌داند که در آن کشورهای کمتر توسعه‌یافته، خصایص معرف جوامع توسعه‌یافته را کسب کنند (پیران، ۱۳۶۷: ۴۴). این تغییر که ابتدا در قالب الگوهای ساده صرفاً اقتصادی آغاز شده بود به‌مرور فراتر رفته و ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روانی توسعه پیدا کرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۱۵ و ۱۶). چنان‌که به‌نظر دادلی سیرز توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۶۷: ۱۸۳). اینکه تغییر در کدام بعد، علت تغییر در ابعاد دیگر است، موضوع بحث بسیاری از نظریه‌پردازان بوده است. جامعه‌شناسان غربی از جمله گیدنز (۱۳۷۸، ۱۳۸۲، ۱۳۸۷)، برمن (۱۹۸۳)، برگر و برگر و کلنر (۱۳۸۱) و...، دربارهٔ این دگرگونی و اثرات آن بر زندگی اشخاص جامعه به نظریه‌پردازی پرداخته و الگوهایی ارائه داده‌اند، اما چه تغییرات اقتصادی به تغییرات فرهنگی بینجامند و چه برعکس، به هرحال یکی از مهم‌ترین جنبه‌های توسعه، مسئلهٔ ارزش‌ها و تغییرات آن در فرایند توسعه است. همچنین باید توجه داشت که تغییر ارزش‌ها همواره یک فرایند بوده و این فرایند دارای حرکت است؛ گاه حرکت فرایند تغییر ارزش‌ها تند و گاهی کند است (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۳۳) و همچنین بر اساس جنبش تک‌خطی (تنها مبتنی بر نفی یا قبول) صورت نمی‌گیرد، بلکه برعکس مشاهده می‌گردد که پدیده‌های نو با پدیده‌های قدیمی به‌هم پیوسته و سنت با جامعه جدید در حال پیدایش، درهم آمیخته و با آن تطبیق پیدا می‌کند (روشه، ۱۳۸۱: ۱۸۴). یعنی در فرایند مدرنیته، تجانس فرهنگی جای خود را به تشتت آراء در حوزهٔ عناصر سنتی فرهنگ می‌دهد (آزادارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۹۷). عنصر دانش و تحصیلات در این میان نقشی مهم دارد؛ چراکه نوسازی منجر به رشد سریع قشر جدیدی از افراد تحصیلکرده - مانند متخصصان، مدیران، کارگران ماهر، تکنوکرات‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان - می‌شود. این افراد، دارای گرایش‌ها، امیال و آرزوهای جدیدی هستند که با

گرایش‌های موجود در ساخت نسبتاً سنتی جامعه تطابق ندارد و این خود زمینه کنش اجتماعی را فراهم می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۷۰).

نظریات گوناگونی درباره عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها و تغییرات فرهنگی عنوان شده است؛ برخی از آنها ناظر به عوامل فردی و سطح خرد است (به نقل از فیرستون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳)؛ مانند نظریه ناهماهنگی شناختی (فستینگر و ارونسون، ۱۳۷۷ و روکیچ، ۱۹۶۸، ۱۹۷۳)، نظریه ساخت اجتماعی واقعیت (برگر و لاکمن، ۱۳۸۷)، نظریه یادگیری اجتماعی (جانسون، ۱۹۹۹)، نظریه تغییر خودکار ارزش‌ها (لیبرمن و همکاران، ۲۰۰۱). برخی دیگر نیز از تأثیر عوامل کلان بر این مسئله سخن می‌گویند: مانند نظریه جهانی‌شدن و تغییر ارزش‌ها (مک‌کوی، ۲۰۰۰)، نظریه نظام‌های سیاسی و تغییر ارزش‌ها (شوارتز و ساگی، ۲۰۰۰) و مهم‌ترین و مشهورترین این نظریات یعنی مدرنیزاسیون و تغییر ارزش‌ها (اینگلهارت و آبرامسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴ و اینگلهارت و بیکر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰ و اینگلهارت و ولزل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷).

یکی از دلایل این امر که نظریه نوسازی مشهور شد و مورد اقبال قرار گرفت، قدرت پیش‌بینی آن بود: این نظریه، تلویحاً بیان می‌دارد که وقتی جامعه‌ای در مسیر صنعتی‌شدن قرار گیرد، انواع خاصی از دگرگونی‌های ارزشی - فرهنگی محتمل می‌شوند؛ دگرگونی‌هایی مانند کاهش میزان مولید، افزایش میزان امید به زندگی، افزایش مشارکت سیاسی توده‌ای، تضعیف ارزش‌های مذهبی و کم‌اهمیت‌شدن ارزش‌های سنتی (نوریس و اینگلهارت، ۱۳۸۷).

ولزل، اینگلهارت و کلینگمن (۲۰۰۳) می‌گویند که تغییرات فرهنگی (مانند ارزش‌ها) متأثر از توسعه و نوسازی به معنای متعارف (مدرنیزاسیون) است. آنها معتقدند که جوامع انسانی سه جهت اصلی از تغییر اجتماعی را تجربه می‌کنند: توسعه اجتماعی اقتصادی، تغییر ارزش‌ها و تغییر سیاسی (و ثوقی و اکبری، ۱۳۸۹: ۹۸). آنها رابطه بین این سه تغییر را چنین پیشنهاد می‌کنند (گونل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷: ۶۸):

توسعه اجتماعی - اقتصادی      تغییر ارزش‌ها      تغییر سیاسی

نمودار زیر می‌تواند این تغییرات را بهتر بازنمایی کند:

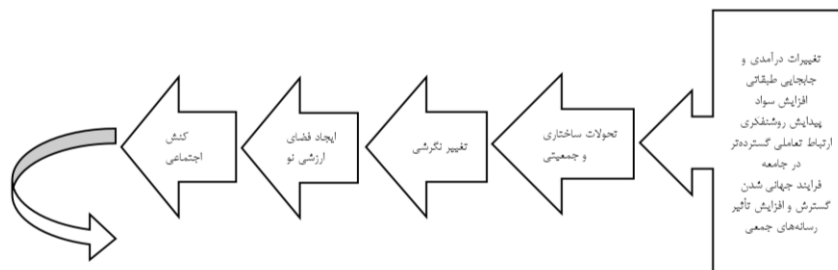
1 Fireston

2 Inglehart & Abramson

3 Inglehart & Baker

4 Inglehart & Welzel

5 Gunnell

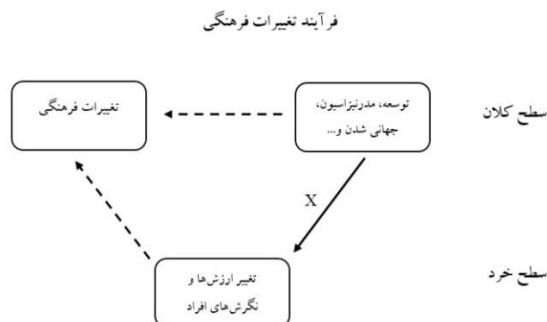


(ربیعی، ۱۳۸۰)

در همین راستا برخی از پژوهشگران با مقایسه داده‌های حاصل از پیمایش‌های ملی که در چند دهه اخیر انجام شده، روند تغییرات ایجاد شده در ایستارهای فرهنگی، مذهبی و سیاسی ایرانیان در چند دهه اخیر را نشان داده‌اند؛ از جمله رنگین کمان (۱۳۸۶: ۱۶۵ - ۱۹۶)، فروغی (۱۳۸۶: ۱۳۵ - ۱۵۸)، جنادله (۱۳۸۶: ۳۰ - ۵۵)، عبدی و گودرزی (۱۳۷۸)، عسکری خانقاه و آزادارمکی (۱۳۸۰)، شریعتی و ذاکری (۱۳۹۵). عمده این نتایج حاکی از آن است که در جامعه ایران در چند دهه اخیر، باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی از سنتی و مذهبی به سمت مدرن و عرفی (و مخالف ارزش‌های رسمی حکومتی) در حال تغییر بوده‌اند و همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد شدت این تغییرات در میان طبقه متوسط و تحصیلکرده بیشتر است (رجب‌زاده، ۱۳۷۹ و آزادارمکی و گیاثوند، ۱۳۸۲ و وریج کاظمی و فرجی، ۱۳۸۲ و میرسندسی، ۱۳۸۳ و نایبی و آزادارمکی، ۱۳۸۵ و توسلی و مرشدی، ۱۳۸۶ و جواهری، ۱۳۸۶ و خادمی، ۱۳۸۷ و آزادارمکی، ۱۳۸۸: ۱۷۱ و فرجی و کاظمی، ۱۳۸۸).

هدف این پژوهش، بررسی فرایند این تغییرات فرهنگی<sup>۱</sup> در میان ایرانیان است. فرایند اجتماعی، بازگوکننده این حقایق است که حوادث چگونه در طول زمان رخ می‌دهند؟ به چه ترتیبی و بر اساس چه نظمی؟ بنابراین، فرایند اجتماعی، تغییر را توجیه و تفسیر نمی‌کند، بلکه جریان و مسیر تغییر را در طول زمان به ما می‌نمایاند (روشه، ۱۳۸۱: ۳۲). در واقع، در کشف فرایند، ما در سطح خرد (فرد/کنشگر) به دنبال آنیم تا دریابیم چگونه و از مسیر چه وقایع و تجربه‌هایی، باورها و ارزش‌های یک فرد در طول زمان تغییر می‌کنند. از این نظر، رویکرد این پژوهش فردگرایی روش‌شناختی خواهد بود. نمودار زیر هدف این پژوهش را بهتر بیان می‌کند:

۱ منظور محقق از تغییرات فرهنگی، هرگونه تغییرات در حوزه ارزش‌ها و باورهای مرتبط با مذهب (مناسکی - عبادی، اعتقادی، اخلاقی)، سیاست، سبک زندگی، پوشش، روابط و معاشرت‌های اجتماعی، ارتباط با جنس مخالف، تربیت فرزندان و ... می‌باشد.



### چارچوب نظری

از میان نظریات متعددی که درباره تغییرات اجتماعی سخن گفته‌اند، دو نظریه مشهور مشخصاً به بحث درباره تغییر ارزش‌ها و چرایی و چگونگی آن پرداخته‌اند؛ نظریه تحول فرهنگی رونالد اینگلهارت و نظریه ساخت واقعیت اجتماعی برگر و لاکمن. هر دوی این نظریات سعی داشته‌اند تا چرایی و چگونگی تغییر ارزش‌ها را توضیح دهند؛ اگر چه در عمل یکی (اینگلهارت) بیشتر به پاسخ چرایی و دیگری (برگر و لاکمن) به تبیین چگونگی پرداخته‌اند.

اینگلهارت به بیان رابطه بین ساختار شخصیت کنشگران فردی و محیط جامعه (ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) به عنوان نظام کنش متقابل پرداخته است؛ که در آن ساختار اقتصادی جامعه به عنوان یک عنصر محیطی بر نگرش‌ها، ذهنیت‌ها و عقاید کنشگران فردی تأثیر گذاشته است (تجربه رونق اقتصادی در دوران اولیه اجتماعی شدن) و این تجربه صورت گرفته در اذهان فردی، بازتابی در سطح سلسله مراتب ارزش‌های کنشگران در سال‌های بعدی خواهد داشت که نتیجه آن اولویت‌بخشی به ارزش‌های فرامادی در قبال ارزش‌های مادی است. او این نظریه را در قالب دو فرضیه کمیابی<sup>۱</sup> و اجتماعی‌شدن<sup>۲</sup> مطرح می‌کند که بر طبق آن اگر فرد در دوران اجتماعی‌شدن (قبل از بلوغ) تحت محرومیت اقتصادی باشد، ارزش‌های مادی برای او اولویت پیدا کرده و بعدها گرایش بیشتری به آنها پیدا خواهد کرد (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

برگر و لاکمن تلاش دارند نظریه جامعه‌شناختی‌ای در حوزه شناخت وضع نمایند که در آن از تفاسیر مبتنی بر کارکردگرایی و نیز جامعه‌شناسی مطلقاً ساختاری دوری‌گزینند و

1 Scarcity hypothesis

2 Socialization hypothesis

البته تأکید می‌کنند جامعه‌شناسی شناخت بدون جامعه‌شناسی دین امکان‌پذیر نیست (برگر و لاکمن، ۱۳۸۷: ۲۵۴ و ۲۵۵). آنها شناخت را با رویکردی پدیدارشناختی در «واقعیت زندگی روزمره» می‌جویند. «واقعیت زندگی روزمره» از جانب افراد جامعه دارای وجودی مستقل است و می‌تواند به اندیشه‌ها و اعمال آنان شکل دهد و خود نیز توسط اعضای جامعه ایجاد و باز تولید می‌شود. آنها بر این باورند که تجزیه و تحلیل نقش شناخت در دیالکتیک فرد و جامعه، یعنی هویت فردی و ساختار اجتماعی، چشم‌انداز مکمل مهم و قاطعی در مورد همه عرصه‌های جامعه‌شناسی به دست می‌دهد (همان: ۲۵۴). آنها برای درک شناسایی و توزیع آن در واقعیت زندگی روزمره به مطالعه آن در دو بعد می‌پردازند: «جامعه به‌عنوان واقعیت عینی» و نیز «جامعه به‌عنوان واقعیت ذهنی» که میان این دو سطح رابطه دیالکتیکی برقرار است. آنها در اثر مهم خود یعنی «ساخت اجتماعی واقعیت» بر تقدم «شناخت» بر «ارزش» تأکید می‌کنند (همان، ۱۳۱). این بدان معنی است که ارزش‌های فرد تغییر نمی‌کند مگر آنکه قبل از آن نظام شناختی وی تغییر کرده باشد. بنابراین در جستجوی کشف فرایند تغییر ارزش‌ها، باید به دنبال شناسایی منابع شناختی قدیم و جدید فرد بود. محیط زندگی و شغلی، تحصیلات، گروه‌های دوستی و مرجع، رسانه‌ها و... مثال‌هایی از این منابع شناختی به‌شمار می‌روند. این مهم در جوامع در حال گذار (مانند ایران) به‌خوبی قابل مشاهده و پیگیری است. این جوامع صحنه رقابت و جدال میان نخبگان سنتی و نخبگان جدید جامعه هستند. به‌دنبال تغییر منابع شناختی جامعه و افراد، گروه‌های جدیدی سر برمی‌آورند که وظیفه مشروع‌سازی و توجیه‌گری ارزش‌های جدید را بر عهده دارند (مانند نخبگان طبقه متوسط، روشنفکران، هنرمندان و...؛ قلمرو معانی جدید این گروه‌ها، در مقابل نظم نهادی سنتی قد علم می‌کند و واکنش و مقاومت آنان را برمی‌انگیزد و از این رهگذر جدالی گاه فرساینده، میان گروه‌های مختلف اجتماعی در می‌گیرد که البته در نهایت به تغییر قلمرو معانی و نظام ارزشی در بخش‌هایی از جامعه یا همه آن منجر می‌گردد.

برگر و لاکمن در بیان مکانیزم ساخت واقعیت اجتماعی ذهنی (و تغییر شناختی) از مفهوم اجتماعی‌شدن یا جامعه‌پذیری استفاده می‌کنند. اجتماعی‌کردن دربردارنده دو مرحله پرورش اجتماعی اولیه و ثانوی است. پرورش اجتماعی اولیه در کودکی و در اوضاع و احوالی که آکنده از جنبه شدید عاطفی است صورت می‌پذیرد صورت و فرد از این طریق عضو جامعه می‌شود

(همان: ۱۸۰). این مرحله، واقعیتی را درونی می‌سازد که امری اجتناب‌ناپذیر تصور می‌شود (همان: ۲۰۰). پرورش اجتماعی ثانویه، عبارت است از هریک از فرایندهای بعدی که فرد قبلاً اجتماعی شده را به بخش‌های تازه‌ای از دنیای عینی جامعه‌اش سوق می‌دهد؛ یا درونی ساختن «خُرده جهان‌ها»ی نهادی یا مبتنی بر نهادها. بنابراین، گستره و سرشت آن برحسب پیچیدگی تقسیم کار و توزیع اجتماعی دانش یا شناخت<sup>۱</sup> تعیین می‌شود (همان: ۱۸۹).

تفاوت‌های چندی میان پرورش اجتماعی اولیه و پرورش اجتماعی ثانویه وجود دارد. مثلاً پرورش اجتماعی اولیه قابل تحقق نیست مگر آنکه کودک خود را با مربیان صاحب نفوذش به‌شدت از نظر عاطفی همذات‌سازد، حال آنکه در بخش اعظم پرورش اجتماعی ثانوی می‌توان از این نوع همذات‌شدن صرف نظر کرد. کودک، دنیای والدینش را به‌مثابه «جهان به‌طور کلی» به‌شکل درونی در می‌آورد، و نه به‌منزلهٔ جهانی که به وضع و زمینهٔ نهادی خاصی مربوط باشد. برخی از بحرانی‌هایی که پس از پرورش اجتماعی اولیه روی می‌دهند در واقع، معلول بی‌بردن به این نکته است که دنیای والدین تنها دنیای موجود نیست، بلکه دارای موقعیت اجتماعی بسیار مشخصی است، و شاید حتی مفهومی تحقیرآمیز نیز در آن نهفته باشد. مثلاً کودک رشدیافته تشخیص می‌دهد که جهانی که والدینش نمایندگان آنند، یعنی همان جهانی که او قبلاً آن را واقعیتی اجتناب‌ناپذیر انگاشته بود، عملاً جهان جنوب‌نشینان دهاتی و طبقهٔ پایین و بی‌فرهنگ است (همان: ۱۹۳). در اینجا برگر و لاکمن از مفهوم دیگری نام می‌برند با عنوان پرورش اجتماعی مجدد<sup>۲</sup> که ناظر به تغییر واقعیت ذهنی فرد است. از نظر آنها تغییر یا استحاله<sup>۳</sup> زمانی روی می‌دهد که بین اجتماعی‌شدن اولیه و ثانویه (ها) عدم هماهنگی و تطابق شدید به‌وجود آید.

یک دستورالعمل برای استحاله باید هم شرایط اجتماعی (واقعیت عینی) و هم شرایط ادراکی (واقعیت ذهنی) را شامل شود. مهم‌ترین شرایط اجتماعی عبارت است در دسترس بودن یک ساختار توجیه‌پذیری کارآمد. یعنی شالوده‌ای اجتماعی که به‌عنوان «آزمایشگاه» دگرگون‌سازی به‌کار آید. در این ساختار توجیه‌پذیری، پای افراد مهم و صاحب نفوذی به میان خواهد آمد که راهنمایان او به واقعیت تازه‌اند و نمودگر ساختار توجیه‌پذیری در نقش‌هایی

1 Knowledge

2 Resocialization

3 Alternation

هستند که در برابر فرد ایفا می‌کنند و میانجی فرد با جهان تازه می‌باشند. مثلاً مذهب به یک اجتماع مذهبی نیاز دارد و زیستن در دنیای مذهبی مستلزم همبستگی با آن اجتماع است (همان: ۲۱۳ و ۲۱۴) و بالعکس.

بخش زیادی از فرایند پرورش اجتماعی ثانویه طی آنچه که «آموزش رسمی» می‌نامیم آموخته می‌شود. این امر به‌خصوص در جامعه مدرن پیوستگی زیادی با تحصیلات پیدا می‌کند؛ یعنی می‌توان یکی از عوامل اصلی تغییر ارزش‌ها را تحصیلات به‌معنای امروزی آن دانست که طی آن، فرد با معلمان (افراد، منابع درسی) سروکار دارد که نظم‌های نهادی جدیدی را علاوه بر آنچه فرد در گروه‌های اولیه (خانواده، همسالان، دوستان و...) آموخته است، به وی معرفی می‌کنند و او را برای بر عهده گرفتن یک یا چند نقش در این نظام‌های نهادی آماده می‌سازند. بنابراین یکی از عوامل اساسی که به تغییر قلمرو معانی و ارزش‌ها (ولو با شدت کم) می‌انجامد قرار گرفتن در موقعیت‌ها و نقش‌های گوناگون است؛ یعنی افراد به‌واسطه بر عهده گرفتن یک نقش در یک نظام نهادی، ممکن است دچار تغییرات ارزشی شوند. برای مثال نقش دانشجوی، هنرمند، معلم یا ریش‌سفید می‌تواند ارزش‌های خاصی را برای فرد به‌دنبال بیاورد که قبلاً برای او مطرح نبوده یا به‌گونه‌ای دیگر فراگرفته شده است.

برگر و لاکمن بر دو مفهوم مهم مؤثر در حفظ و تغییر واقعیت ذهنی تأکید می‌کنند؛ یکی مفهوم دیگران مهم که اشخاص مهم و صاحب‌نفوذ در زندگی فرد عوامل اصلی برای حفظ واقعیت ذهنی به‌شمار می‌روند و اهمیت خاص آنان به سبب تأیید مستمر آن عنصر حیاتی و قاطع واقعیت است که ما نام «هویت» بدان می‌دهیم. فرد برای حفظ این اطمینان خاطر که به‌راستی همان کسی که فکر می‌کند هست، نه‌تنها به تأیید این هویتی که حتی برخوردهای اتفاقی روزمره فراهم می‌آورند نیاز دارد، بلکه نیازمند تأیید صریح و آکنده از بار عاطفی است که مربیان صاحب‌نفوذش نثار وی می‌کنند. فرد به هویتی علاقه‌مند است که تأیید شود (همان: ۲۰۴). مفهوم دیگر، گفتگو است. گفتگو مهم‌ترین وسیله حفظ واقعیت است. می‌توان بر زندگی روزمره فرد بر حسب محصول کار دستگاه مکالمه‌ای نظر انداخت که واقعیت ذهنی او را پیوسته حفظ می‌کند، تغییر می‌دهد و از نو می‌سازد. کسی ممکن است درباره دین خود تردیدهایی داشته باشد؛ این تردیدها هنگامی که شخص درباره‌شان بحث می‌کند به‌نحوی کاملاً متفاوت به‌صورت واقعی در می‌آیند. به بیان دیگر، دستگاه مکالمه، واقعیت را با «سخن راندن از» عناصر



گوناگون تجربه، و اختصاص دادن جایگاه محدود در جهان واقعی به آنها حفظ می‌کند (همان: ۲۰۷ و ۲۰۸). استحالته، متضمن تجدید سازمان دستگاه مکالمه است. طرف‌های مکالمه در گفتگوهای مهم تغییر می‌پذیرند و در گفتگو با افراد مهم و صاحب نفوذ جدید، واقعیت ذهنی دگرگونه می‌شود (همان: ۲۱۵). مهم‌ترین نیاز عقلی برای استحالته در دسترس بودن ابزار است که مشروعیت همه احوال متوالی دگرگونی را توجیه کند. آنچه باید توجیه شود فقط واقعیت جدید نیست، بلکه مراحل است که واقعیت جدید به آنها اختصاص می‌یابد و به کمک آنها محافظ می‌ماند و ترک یا طرد همه واقعیت‌های احتمالی دیگر (همان: ۲۱۶).

بنا بر آنچه گفته شد شناخت فرایند تغییر ارزش‌های فرد در یک جامعه، مستلزم شناخت زمینه‌هایی است که فرد در آن دچار پرورش اجتماعی ثانویه یا مجدد شده است؛ که این امر را می‌بایست در پیوند و نزدیکی با روایت کامل زندگی او بازشناسی کرد.

### جمع‌بندی نظری

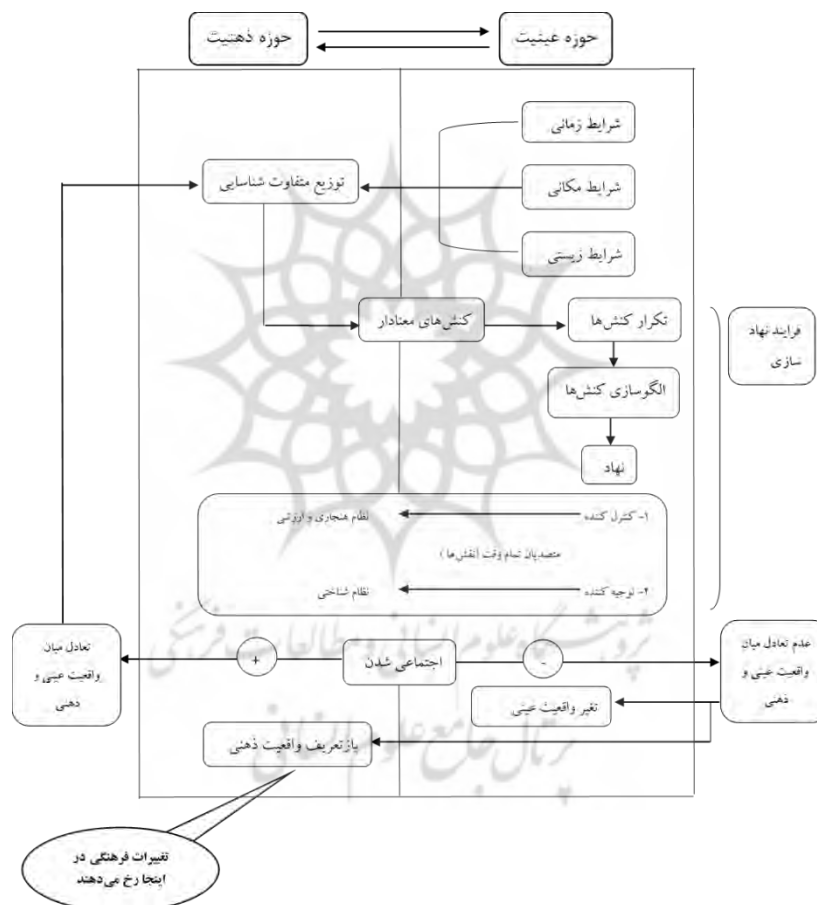
مطابق نظریه اینگلهارت، تغییرات کلان جامعه (اقتصاد، تحصیلات، رسانه‌ها و...) به دگرگونی نگرش‌ها، ذهنیت‌ها و عقاید کنشگران می‌انجامد. این تغییرات در زمانی دیگر منجر به شکل‌گیری الگوهای فرهنگی جدید می‌شود که به‌نوبه خود بر پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بعدی تأثیر می‌گذارند. در واقع، این الگو به زبان برگر و لاکمن همان دیالکتیک میان واقعیت عینی جامعه و واقعیت ذهنی جامعه است. واقعیت اجتماعی عینی (کلان)، واقعیت اجتماعی ذهنی (خرد) را شکل می‌دهد و در عین حال، خود به‌وسیله واقعیت اجتماعی ذهنی شکل گرفته، دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود.

اگر قضیه را در سطح فرد بخواهیم پی بگیریم باید گفت که کنشگران ممکن است در اثر تغییرات اجتماعی (واقعیت عینی)، نیاز به بازنگری در پرورش اجتماعی اولیه خود داشته باشند. اگر این تغییرات ملایم و آهسته و متعارف باشند، تلازم و هماهنگی میان پرورش اجتماعی اولیه و ثانوی رخ می‌دهد و افراد به‌خوبی (بدون تعارض) می‌توانند نقش‌های متناسب با واقعیت اجتماعی عینی جدید<sup>۱</sup> را فرا گیرند و آنها را به ذخیره دانش اجتماعی خود بیفزایند. در این حالت آنها دچار

۱ جدید به این معنا که یا تازه (بعد از دوران پرورش اولیه) به‌وجود آمده‌اند و یا فرد به تازگی با آنها مواجه شده است.

بحران نمی‌شوند؛ یعنی نیازی به تغییر و دگرگونی در ارزش‌های اساسی پرورش اجتماعی اولیه وجود ندارد، اما اگر این تغییرات شدید و با شیب تند باشند (چنانکه در چند دهه اخیر در ایران رخ داده است) آنگاه فرد با یک موقعیت بحرانی مواجه می‌شود. یعنی برای سازگاری با واقعیت عینی جامعه نیاز به تحول در عناصر پرورش اجتماعی اولیه پیدا می‌کند. چیزی که ما از آن به‌عنوان تغییرات فرهنگی یاد می‌کنیم و برگر و لاکمن نام استحاله بر آن می‌نهند.<sup>۱</sup>

### مدل مفهومی استخراج شده براساس نظریه ساخت اجتماعی واقعیت



۱ علی‌رغم اینکه در اینجا از فرضیات اینگلهارت یاد کردیم، اما قصد ما آزمون تجربی (علمی) این فرضیات نیست؛ چراکه بنا بر مقتضیات روشی، چنین امکانی نداریم؛ از این روی در بخش پایانی، تنها همخوانی نتایج پژوهش را با این فرضیات سنجیده‌ایم بدون اینکه آن را تأیید یا رد کرده باشیم.

## روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر به علت فقدان اطلاعات کافی در زمینه مکانیسم تحقق تغییرات در ادراکات، نگرش‌ها و رفتارهای افراد و نیز از آنجایی که این‌گونه تغییرات در طول زمانی طولانی و بسیار تدریجی رخ می‌دهند و اکثر افراد، آن را کمتر به صورت آگاهانه تجربه می‌کنند، برای شناخت و صورت‌بندی این تجربه زیسته، لازم است مصاحبه‌های متعدد و عمیقی انجام شود و تنها با استفاده از رویکردی کیفی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه مصاحبه است که می‌توان به شناخت این فرایند پیچیده نائل شد. همچنین از آنجایی که بخش عمده‌ای از داده‌های مورد نیاز مربوط به وقایعی است که در گذشته رخ داده‌اند، لازم است روایت زندگی افراد را در طول زمانی نسبتاً طولانی پیگیری نموده و از طریق شناسایی و بازسازی کلیت جهان زیسته افراد به فهم چگونگی رخداد تغییرات یاد شده - در بستر زندگی روزمره و در کنش و واکنش عوامل فردی و اجتماعی گوناگون - نائل آمد. برای دستیابی به چنین نمای جامعی از روند رخداد تغییرات فرهنگی افراد، می‌بایست به روایت (داستان‌های) زندگی آنها مراجعه نمود؛ چراکه روایت‌ها، نمایی بازسازی شده از تمامی عوامل فردی و اجتماعی و کنش و واکنش‌های افراد نسبت به آنها می‌باشد. برای این منظور، لازم است از افراد بخواهیم تا روایت زندگی خود را تعریف کنند. لذا روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل روایت یا روایت‌پژوهی<sup>۱</sup> است. در این روش، برای جمع‌آوری داده‌ها، بایستی از سبک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده کرد که کیفی است و اصطلاحاً به آن مصاحبه‌روایی<sup>۲</sup> می‌گویند. در مصاحبه‌روایی باید سؤالات را به گونه‌ای تنظیم کرد تا فرد مورد مصاحبه، روایت زندگی خود را از نقطه‌ای شروع کرده، سپس به اوج و در نهایت به یک فرونشینی برسد. به اعتقاد برونر، همین داده‌های مربوط به تجارب زندگی، موضوع اصلی یا روایت واقعی را تشکیل می‌دهند (Bruner, 1990: 17).

به عقیده استن<sup>۳</sup> (۱۹۷۹)، روایت‌پژوهی عناصر تاریخی را به نحوی سازمان می‌دهد که داستانی درباره‌ی یک یا سلسله‌ای از رویدادها به ما بگوید. این داستان‌ها فهمی کلی هستند که از طریق انتخاب قطعات از هم گسسته و برقراری ارتباط بین آنها حاصل می‌شوند (نقل از - Stryker, 1996). اگرچه این قطعات از هم گسسته هستند، لیکن در فضای حاصل شده از

1 Narrative Analysis

2 Narrative Interview

3 Stone

کلیت داستان، معنا و جایگاه خود را خواهند یافت (Griffin, 1993)؛ چراکه روایت‌ها، نمایی بازسازی شده از تمامی عوامل فردی و اجتماعی و کنش و واکنش‌های افراد نسبت به آنها می‌باشند. تاریخچه‌های زندگی، چارچوب محوری برای فهم دریافت افراد و نیز واکنش‌های آنان به الگوهای فرهنگی کلان‌تر به‌شمار می‌آیند (Agar, 1980: 224). رویکرد شرح حال‌نگارانه تاریخ زندگی، علاوه بر توجه به تجارب زندگی کلی افراد، به زمینه اجتماعی و فرهنگی که در آن زیست می‌کنند نیز توجه دارد. حیات انسان‌ها در یک متن اجتماعی و فرهنگی تجربه شده و تاریخ زندگی بر اساس این متن ساخته می‌شود. چنین تصویری امکان فهم نحوه به‌کارگیری منابع اجتماعی و فرهنگی در تدوین تصویر افراد از خویش و نیز دریافت‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات آنها را فراهم می‌سازد (Kaufman, 1994: 9) و به ما امکان می‌دهد تا فرد را در ارتباط با طول دوره زندگی خویش و نحوه تأثیرپذیری او از جریان‌های مختلف دینی، اجتماعی و روان‌شناختی و اقتصادی مورد توجه قرار دهیم (Bogdan, 1974: 4).

از دیدگاه روبین استریکر (۱۹۹۶) اتخاذ یک رویکرد روایت‌پژوهی مستلزم این است که روایت‌پژوه، بر افراد و سازمان‌ها یا بازیگران جمعی، و فعالیت‌های آنها تمرکز نموده و درباره هر یک از اتفاقات سؤالاتی نظیر: کی؟ کجا؟ چرا؟ و چگونه را مطرح نماید. به این ترتیب روایت‌ها فقط بیان‌کننده اتفاقاتی که رخ داده نیستند، بلکه می‌توانند درباره چرایی و چگونگی آن اتفاقات نیز به ما توضیحاتی بدهند. این نگرش فرایندی، کمتر به‌دنبال تبیین وقایع براساس متغیرها، و بیشتر به‌دنبال ارائه شرحی از زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر کنش‌ها و نگرش‌هاست. مزیت دیگر روایت‌ها، ماهیت فرایندی<sup>۱</sup> آنهاست. بسیاری از محققین جامعه‌شناس و روان‌شناس چنین ویژگی را ضرورت اساسی برای بسیاری از تحلیل‌های اجتماعی بر می‌شمارند (ذکابی، ۱۳۸۷).

کراسول (۱۳۹۱) مراحل انجام روایت‌پژوهی را شامل: بررسی تناسب موضوع با روش، گردآوری داده‌ها، مطالعه بستر داستان، بازسازی روایت (تبدیل به روایت داستانی) و افزایش فعالانه فرد در بحث درباره معنای داستان و نقاط عطف آن می‌داند (احسانی و نوغانی و مظلوم خراسانی، ۱۳۹۴). همچنین شرح تفصیلی از جایگاه‌های متنی فرد و نیز شکل‌گیری انواع (سنخ‌شناسی) از مراحل دیگر این روش ذکر شده است (Rosenthal & Rosenthal, 2004: 20). با این وجود در روایت‌پژوهی بر خلاف سایر روش‌های کیفی، هیچ قانون کلی‌ای درباره داده‌ها یا

اسلوب مناسب پژوهش یا بهترین سطحی که روایت‌ها در آن مطالعه شود، وجود ندارد و محل اختلاف است (احسانی و نوغانی دخت بهمنی و مظلوم خراسانی، ۱۳۹۴).

در پژوهش حاضر محقق با مراجعه مکرر به مشارکت‌کنندگانی که تغییرات فرهنگی<sup>۱</sup> را تجربه کرده‌اند، سعی کرده است تا روایت زندگی آنها را از ابتدا تا کنون از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق بازسازی نماید. سپس از طریق انجام تحلیل روایتی - با استفاده از رویکرد تماتیک - چگونگی رخداد تغییرات فرهنگی مورد نظر در مشارکت‌کنندگان، به تفکیک دوره‌های مهم زندگی، شناسایی و تحلیل شده است.

جامعه مورد بررسی در این پژوهش، شامل کلیه شهروندان مشهدی بالای ۴۰ سالی بوده که در زندگی خود هرگونه تغییرات فرهنگی و ارزشی را تجربه کرده‌اند.<sup>۲</sup> مدل نمونه‌گیری کیفی در این کار، هدفمند بر مبنای قاعده حداکثر تفاوت است و در انتخاب این نمونه‌ها حداکثر تفاوت‌ها در نظر گرفته می‌شود تا تجربه‌های متفاوت بررسی شوند. بدین وسیله، دامنه نوسان و تفاوت در میدان آشکار می‌شود (فلیک، ۲۰۰۶: ۲۱۳). بنابراین با در نظر گرفتن سه متغیر وضعیت اقتصادی، تحصیلات و جنس (که در پیشینه و نظریات به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر تغییر فرهنگی از آنها سخن گفته شد) به‌عنوان مبنای تفاوت میان موارد پژوهش، ۸ مورد<sup>۳</sup> برای بررسی و جمع‌آوری داده‌های کیفی انتخاب شده و گفتگوهای عمیق چندین ساعته با آنها صورت گرفته است.<sup>۴</sup> این گفتگوها حول محور یک سؤال اصلی است: «داستان زندگی خود را از ابتدا و مفصلاً برای ما تعریف کنید».

۱ با تعریفی که در پایان بیان مسئله داده شد.

۲ نمونه‌های پژوهش حاضر در محدوده سنی میانسال انتخاب شده‌اند تا هم به ثبات نسبی ارزشی رسیده باشند و هم بتوان ردپای تغییرات فرهنگی را در چند دهه در آنها بازبازی کرد. نیز سعی بر آن بوده که توزیع سنی این افراد به‌گونه‌ای باشد که تحولات و تجربیات گوناگون چند دهه اخیر ایران را دربر گیرد.

۳ این عدد (۸) با توجه به سه متغیر یاد شده (جنسیت، تحصیلات و درآمد) به‌دست آمده است؛ یعنی از هر مورد دارای متغیرهای متفاوت، یک نفر: مرد تحصیلکرده با پایگاه بالا/ زن تحصیلکرده با پایگاه بالا/ مرد تحصیلکرده با پایگاه پایین یا متوسط/ زن تحصیلکرده با پایگاه بالا/ زن بدون تحصیلات با پایگاه بالا/ مرد بدون تحصیلات با پایگاه پایین یا متوسط/ زن بدون تحصیلات با پایگاه پایین یا متوسط.

۴ با عنایت به اینکه اطلاعات مورد نیاز برای جمع‌آوری از این موارد، شامل تمام روایت زندگی آنها به‌طور کامل و جزئی بوده است (و نه یک متغیر یا مورد خاص مثل تجربه زیارت، یا ازدواج یا روابط عاطفی و امثال آن) و لذا مصاحبه‌های طولانی و عمیق و چندگانه را طلب می‌کرده؛ به بررسی همین تعداد جهت رسیدن به اهداف پژوهش بسنده شده است.

پس از آن، بر مبنای مصاحبه‌های انجام‌شده، روایت زندگی فرد استخراج شده است. این روش، به مدل بازسازی<sup>۱</sup> موسوم است. این مدل، علاوه بر توجه به سازماندهی و نظام متن به‌عنوان برآیند گفتگو، به ابعاد تأویلی روایت تولیدشده هم برای محقق و هم مخاطبان مورد نظر تحقیق و تحلیل نیز توجه دارد. مرحله پایانی این مدل بر راوی و شرح ارائه شده او از داستان زندگی خویش و میزان تطابق و یا فاصله آن با زندگی زیست‌شده حقیقی او توجه دارد.<sup>۲</sup> سپس از طریق انجام تحلیل روایتی با استفاده از رویکردهای ساختاری<sup>۳</sup> (Labov & Waletzky, 1967 & Burke, 1969) و مضمونی یا تماتیک<sup>۴</sup> (Braun & Clarke, 2006)، چگونگی رخداد تغییرات فرهنگی مورد نظر در مشارکت‌کنندگان، به تفکیک دوره‌های مهم زندگی، شناسایی و تحلیل شده و سپس به الگویابی و سنخ‌شناسی فرایند این تغییرات پرداخته شده است.

### تحلیل یافته‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌های پژوهش، ابتدا مصاحبه‌ها به‌صورت یک روایت داستانی از زندگی فرد (از زبان اول شخص<sup>۵</sup>) درآمد و سپس مراحل مختلف زندگی آنان در قالب جداولی بر اساس متغیرها و مفاهیم مهم کدگذاری گردیده است. سپس بر مبنای آن، نمودار مفهومی - نظری آن مرحله از زندگی فرد ترسیم شده و مورد تفسیر قرار گرفته است؛ که در طی آن تغییرات مرحله‌به‌مرحله باورها و ارزش‌ها و سبک زندگی آنان در بعد ذهنی و عینی بیان شده و تلاش گردیده تا ارتباط آن با تحولات کلان‌تر در سطح جامعه نیز نشان داده شود. در آخر برای زندگی هر فرد، یک نمودار خط زمان ترسیم شده که فرایند تغییرات او را به‌طور خلاصه در طول زمان نمایش می‌دهد. بر این اساس، با توجه به داده‌های هر مورد و مراحل مختلف شناسایی شده روایت زندگی آنان، در مجموع حدود ۱۰۰ جدول و نمودار و تفاسیر مربوط به آنها از داده‌های پژوهش استخراج شده است.

شناخت دقیق فرایند تغییرات فرهنگی هر یک از موارد پژوهش، مستلزم مطالعه دقیق این جداول و نمودارهاست، اما از آنجایی که ذکر همه آنها در قالب این نوشتار امکان‌پذیر نیست،

1 reconstruction model

۲ به‌همین منظور، برای حصول اعتبار داده‌های پژوهش، روایت‌های بازسازی شده مجدداً به رؤیت و تأیید مشارکت‌کنندگان رسیده است.

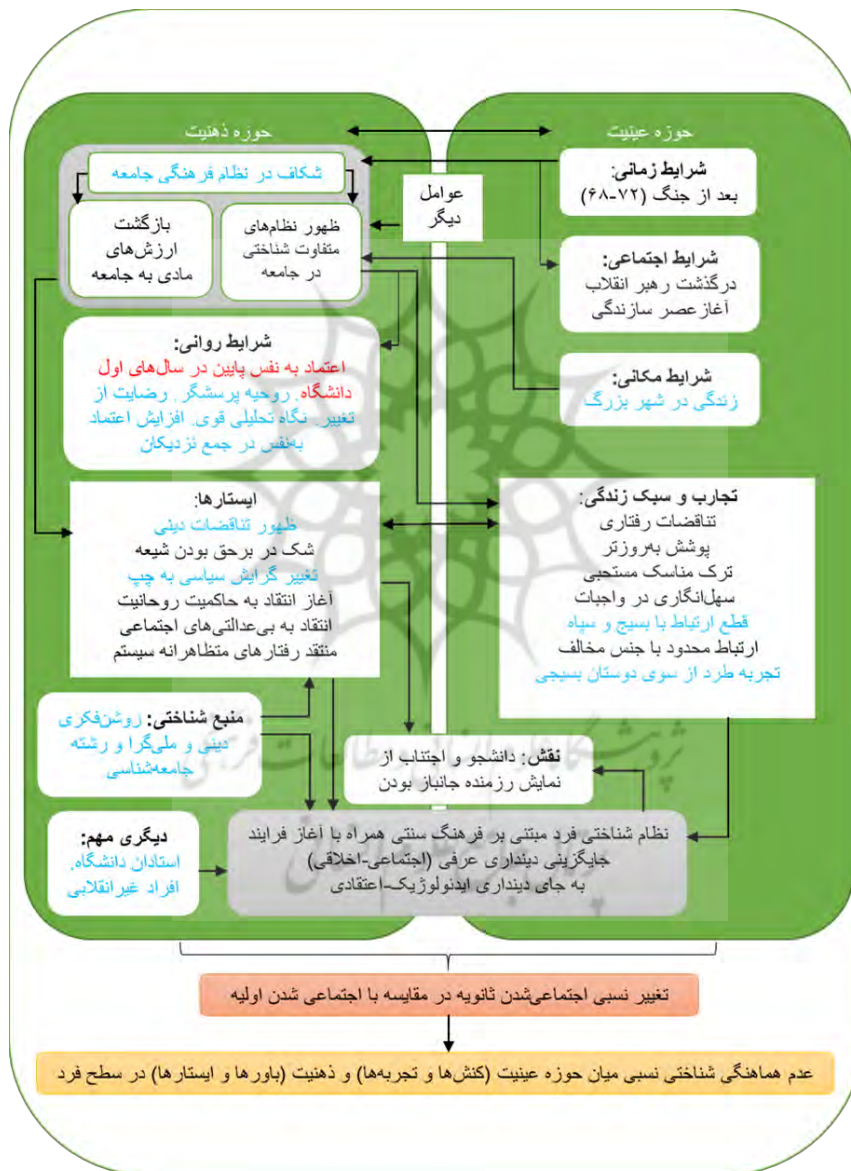
3 Structural Narrative Analysis

4 Thematic Narrative Analysis

5 Autobiography

جهت آشنایی با شیوه تحلیل و استنتاج داده‌ها، تنها یک نمودار و تفسیر آن و یک خط روایت را به عنوان نمونه ذکر کرده و پس از آشنایی مختصر با شرح حال موارد پژوهش، به بیان خلاصه فرایند تغییرات آنها می‌پردازیم.

نمودار دوره دانشجویی آقای الف (برای مثال)



### تحلیل دوره دانشجویی آقای الف (برای مثال)

دوره دانشجویی فرد هم‌زمان است با سال‌های بعد از جنگ؛ آن هم در جامعه‌ای که با درگذشت آیت‌الله خمینی (یعنی اصلی‌ترین شخصیت در میان خبرگان نظام شناختی دین‌داری ایدئولوژیک حکومتی)، احساس ازدست‌دادن پدر خود را دارد، و نیز جامعه‌ای که از فشارهای روانی - اجتماعی عظیم دوره جنگ رها شده، به‌سوی ارزش‌های مادی دریغ‌شده در سال‌های گذشته، با ولع حرکت می‌کند و پا به دوره‌ای جدید می‌گذارد که در ادبیات سیاسی معاصر ایران موسوم به «عصر سازندگی» است. هم‌زمان در این دوره، فضا برای نمایش شکاف در نظام شناختی جامعه که در سال‌های قبل به لایه‌های زیرین فرورفته بود، فراهم می‌شود.

در این دوره است که فرد تحت تأثیر زندگی در شهر بزرگ مشهد که محل تجلی بیشتر سبک‌های زندگی متفاوت است و نیز تجربه دانشگاه، در معرض نظام‌های جدید شناختی قرار می‌گیرد که در کنار زمینه‌های شخصیتی او مانند روحیه پرسشگر، استقبال از تغییر، نگاه تحلیلی قوی، و کاهش اعتمادبه‌نفس در جمع افراد دانشگاهی در مقابل افزایش اعتمادبه‌نفس در جمع نزدیکان، او را به سمت چالش‌های بزرگ سوق می‌دهد و زمینه تقویت تغییر فرهنگی او را به‌وجود می‌آورد. این چالش‌ها که با ظهور تناقضات دینی، شک در برحق بودن شیعه، تغییر گرایش سیاسی به چپ، انتقاد به حاکمیت روحانیت، مشاهده بی‌عدالتی‌های اجتماعی و سیاسی و نیز رفتارهای متظاهرانه سیستم، در ایستارهای فرد نمود می‌یابد؛ تجربه‌ها و کنش‌های او را در زندگی روزمره و سبک زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این دوره، فرد تمایلی ندارد خود را به‌عنوان رزمنده جانباز معرفی کند که می‌تواند نشان‌دهنده آزار دیدن از آن فشار هنجاری باشد که این نقش به او در آن محیط تحمیل می‌کند. او دارای تناقضات رفتاری است: ظاهر پوشش او به‌روزتر می‌شود، مناسک مستحبی را ترک می‌کند، در انجام واجبات سهل‌انگار می‌شود، هم‌چنان ارتباطش با جنس مخالف محدود و تقریباً هیچ است؛ چراکه در خود اعتمادبه‌نفس کافی در این مورد نمی‌یابد. او با قطع ارتباط با بسیج و سپاه و طرد شدن از سوی دوستان سابق به‌خاطر تغییر دیدگاه‌ها، منابع شناختی جدید شامل اندیشه‌های روشنفکری دینی (علی شریعتی) و ملی‌گرا (احمد کسروی) و رشته جامعه‌شناسی را جایگزین می‌کند که بنیاد فکری او را تغییر می‌دهند. پیرو این تغییرات، استادان دانشگاه و افراد غیرانقلابی به‌عنوان دیگری‌های مهم او جایگزین می‌شوند که این فرایند با احساس پیوند عاطفی عمیق میان آنان همراه است. با قاطعیت می‌توان گفت در این دوره، فرایند دین‌داری عرفی و اجتماعی فرد در حال شکل‌گیری است که به‌تدریج جای دین‌داری ایدئولوژیک - اعتقادی قبلی را می‌گیرد. در



این مرحله است که هماهنگی شناختی فرد نسبتاً برهم خورده است و تغییرات بنیادین آغاز شده است و می‌توان گفت دوره پیش از استحاله فرهنگی او آغاز گردیده است.

### خط زمانی روایت آقای الف (برای مثال)

۲۷	کودکی	۵۷	نوجوانی	۶۲	رزمندگی	۶۸	دانشجویی	۷۲	پس از دانشگاه	۷۶	ارتقای شغلی	۸۷	ثبات نسبی
دهه قبل از انقلاب	انقلاب و جنگ	جنگ	جنگ	جنگ	جنگ	جنگ	جنگ	جنگ	جنگ	جنگ	جنگ	جنگ	جنگ
طبقه اجتماعی پایین	مرگ مادر و احساس خلاء	تجربه جمع‌های مذهبی	زندگی اجتماعی مذهبی، فضاوت بر اساس آموزه‌های مذهبی	آموزش‌های عقیدتی و سیاسی در مسجد	احساس دوگانه لذت‌گناه در مقابل لذت‌های نسبی	دین‌داری ایدئولوژیک، فرهنگ سنتی	حاجی انقلاب	مشارکت در کار خلاء و اقتصاد خانواده	میل به استقلال و قنای‌جویی	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه
خانواده در جمعیت	والدین بی‌سواد و سختگیر	زمنه فرهنگی سنتی مذهبی	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای	مدرسه‌ای
آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ	آرزوی بزرگ
تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی	تحلیل برای ارتقای طبقاتی
دین‌داری اجتماعی سنتی بر حاشی زریه شاد	مشارکت در اقتصاد خانواده	احساس محرومیت نسبی	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر	عشق سنجی سنجیدی، کمرنگ‌شدن پدر
اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه	اجتماعی شدن اولیه
انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه	انطباق با اجتماعی شدن اولیه

در ادامه به بررسی مختصر یافته‌های پژوهش می‌پردازیم.

### جدول ۱ مشخصات و شرح حال مختصر موارد پژوهش

نام و مشخصات	شرح حال مختصر	مراحل روایت
آقای الف ۵۰ ساله متاهل دارای دو فرزند کارشناسی ارشد علوم انسانی فرهنگی	در یک خانواده کشاورز پرجمعیت متولد و بزرگ شده است. در سیزده سالگی مادرش را از دست می‌دهد. آغاز دوران نوجوانی وی همراه با وقوع انقلاب اسلامی و جنگ بوده است. در دوران راهنمایی به همراه چندتن از همکلاسی‌هایش به جبهه می‌رود. چندبار زخمی می‌شود و دوباره خود را به جبهه می‌رساند. در فواصل میان حضور در جبهه یا درحین آن، تحصیلات دبیرستان را دنبال می‌کند. بعد از پایان جنگ نیز دبیرستان را به صورت متفرقه به پایان رسانده وارد دانشگاه می‌شود. پس از دانشگاه به شغل معلمی مشغول شده و به طریق کاملاً سنتی ازدواج می‌کند. هم‌زمان به فعالیت‌های سیاسی نیز علاقه‌مند و مشغول است. چند سال بعد تحصیلات را در مقطع ارشد نیز ادامه می‌دهد. در عین حال، گرایش‌های سیاسی مانع از حضور او در مناصب مدیریتی و سیاسی می‌گردد. وی در سال‌های اخیر با دوستان خود یک حلقه فکری تشکیل داده که بر وی بسیار اثرگذار بوده است.	- کودکی - نوجوانی - رزمندگی - تغییرات (شامل) مراحل دانشجویی، پس از دانشگاه و ارتقای شغلی - ثبات نسبی
آقای کاف ۶۳ ساله متاهل دارای سه فرزند کاردانی علوم فنی تولیدکننده بخش خصوصی	در یک خانواده نسبتاً مرفه که شغل تولیدی داشتند به دنیا می‌آید. دوران کودکی او در یک خانه بزرگ و تقریباً شلوغ و پررفت و آمد در یکی از محلات قدیمی مشهد می‌گذرد. پس از دبستان، از رفتن به دبیرستان مذهبی امتناع می‌کند، اما در دوران تحصیل در دبیرستان عادی به فعالیت‌های مذهبی و قرآنی با دوستانش می‌پردازد. بعد از پایان دبیرستان به ادامه تحصیل تا مقطع فوق دیپلم در رشته‌های فنی پرداخته و پس از آن به سربازی می‌رود. ماه‌های پایان سربازی او مصادف با ایام انقلاب ۵۷ است. پس از پایان خدمت به خیل انقلابیون می‌پیوندد و در یکی از نهادهای خدماتی انقلابی مشغول فعالیت‌های عام المنفعه در مناطق محروم می‌شود. بعد از دو سال به‌خاطر اختلافات سیاسی آنجا را ترک می‌گوید و یک کارگاه تولیدی خصوصی دایر می‌کند. در همان ایام با یکی از همفکرانش در فعالیت‌های سیاسی ازدواج کرده و به کار و زندگی مشغول می‌شود. هم‌زمان فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و سیاسی را با حلقه همفکران خود دنبال کرده و نقشی فعال در گردهم آوردن، پشتیبانی و شبکه‌سازی میان آنها دارد.	- کودکی - نوجوانی - جوانی قبل از انقلاب - جوانی بعد از انقلاب - استحاله - ثبات نسبی

ادامه جدول ۱ مشخصات و شرح حال مختصر موارد پژوهش

نام و مشخصات	شرح حال مختصر	مراحل روایت
آقای ث ۶۴ ساله متاهل دارای سه فرزند کاردانی علوم فنی شغل آزاد	در یک خانواده سنتی، مذهبی و تقریباً متوسط در یکی از محلات قدیمی مشهد به دنیا می‌آید. پدر وی دو همسر داشته که دومی را به خاطر نازا بودن همسر اول، اختیار می‌کند. دوران کودکی و نوجوانی را در مدرسی می‌گذراند که همراه با دروس معمول، آموزه‌های مذهبی نیز آموزش داده می‌شود. این آموزه‌ها و نیز حلقه دوستان و معاشران وی، او را علاقه‌مند به سیاست به‌عنوان مخالف وضع موجود می‌کند و به تدریج تبدیل به یک انقلابی مذهبی می‌شود. دوست داشته معلم بشود، اما در یکی از رشته‌های فنی کاردانی می‌گیرد. به دلیل مخالفت با رژیم پهلوی، به سرپازی نمی‌رود و سرپازی غایب یا فراری به‌شمار می‌رفته است. آن سال‌ها به دلیل فعالیت‌های فرهنگی و انقلابی، به فکر شغل و کار برای خود نمی‌افتد و در واقع، برای زندگی شخصی برنامه‌ای نداشته و با پول توجیبی پدر امرار معاش می‌کرده است. حتی بعد از انقلاب هم که به کار در یکی از نهادهای خدماتی انقلابی مشغول می‌شود، پولی بابت آن نمی‌گیرد. ولی بعد از مدتی به دلیل اختلافات سیاسی از آن کار کناره می‌گیرد. دو سال بعد از انقلاب با دختری از آشنایان همفکر ازدواج می‌کند و به یک شغل تولیدی مشغول می‌شود. در اوایل جنگ به جبهه می‌رود، اما به دلیل اختلافات سیاسی در آنجا دستگیر می‌شود و مدت کوتاهی به زندان می‌افتد و بعد از آن دیگر به جبهه نمی‌رود. در اوایل دهه شصت، به دلایل سیاسی مجدداً دستگیر شده و مدت پنج سال در زندان به سر می‌برد. همسرش در اوایل دهه نود از دنیا می‌رود.	- کودکی - نوجوانی - جوانی قبل از انقلاب - جوانی بعد از انقلاب - زندان - استحاله - ثبات نسبی
خانم ت ۴۶ ساله متاهل دارای دو فرزند کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسس و مدیر مهدکودک	در خانواده‌ای نسبتاً متمول و با والدینی با تحصیلات ابتدایی و نسبتاً مذهبی متولد شده است. وی فرزند بزرگ‌تر و دارای سه برادر و یک خواهر است. خانواده سختگیری به‌لحاظ مذهبی نداشته و تنها تذکری که مادرش در دوران نوجوانی به او می‌داده، رعایت کامل حجاب در نزد اقوام مذهبی بوده است. دوران کودکی و نوجوانی وی مصادف با جنگ تحمیلی بوده و در مدرسه به‌خصوص دبیرستان تأکید زیادی روی جنگ و شهادت می‌شده است بطوری که در آن سال‌ها شهادت برای او تبدیل به یک آرمان شده بود. وی علی‌رغم مخالفت فامیل، بنا به تأکید و اصرار و پشتیبانی پدرش به دانشگاه می‌رود و در رشته روان‌شناسی تحصیل می‌کند. در سال آخر دانشگاه به شیوه سنتی با یک پزشک مذهبی ازدواج می‌کند. تا سن ۹ سالگی فرزندش، خانه‌دار می‌ماند، اما سپس به کار در یک مهدکودک می‌پردازد و بعد با گرفتن مجوز، خود اقدام به تأسیس یک مهدکودک می‌نماید. همچنین وی به همراه همسرش سفرهای متعددی به خارج از کشور داشته که به‌گفته خودش موجب آشنایی او با مردمی از ملل، مذاهب و فرهنگ‌های دیگر شده است.	- کودکی - نوجوانی - تغییرات - ثبات نسبی
خانم عین ۴۳ ساله متاهل دارای یک فرزند کارشناس ارشد علوم انسانی معلم	در یک خانواده سنتی و مذهبی در مشهد به دنیا آمده است. پدرش شغل آزاد داشته و مادرش خانه‌دار بوده است. دختر کوچک خانواده بوده و علی‌رغم خواهران بزرگ‌ترش که به‌خاطر ممانعت پدر نتوانستند ادامه تحصیل دهند، با موافقت او در درس را تا مراحل تکمیلی ادامه داده است. از بچگی به کتابخوانی و مطالعات غیر درسی علاقه داشته و دوست داشته در آینده دانشمند شود. دوران دبستان و راهنمایی و دبیرستان وی مصادف با ایام جنگ و سال‌های اول پس از آن بوده و به‌همین سبب مانند همه دانش‌آموزان آن سال‌ها در معرض تبلیغات ایدئولوژیک و سختگیری‌های مذهبی در فضای مدرسه بوده است. در دبیرستان به خواندن کتاب‌های شریعتی و امثال آن رو می‌آورد و با وجود دیپلم ریاضی، به دلیل علاقه به علوم انسانی پس از ادامه تحصیل ریاضی در تربیت معلم، در دانشگاه علوم انسانی می‌خواند. هم‌زمان به شغل معلمی نیز مشغول می‌شود. با پایان تحصیلات تکمیلی در ۳۱ سالگی با مردی که خود با او آشنا شده ازدواج می‌کند.	- کودکی - نوجوانی - تربیت معلم - دانشگاه - ثبات نسبی
خانم ف ۴۴ ساله متاهل دارای یک فرزند کارشناس علوم فنی خانه‌دار	در یک خانواده فرهنگی و متوسط دنیا آمده است. خانواده‌ای نسبتاً پرجمعیت که علاوه بر پدر و مادر و ۵ فرزند، پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز حضور داشتند و البته نفوذ بسیاری را هم در سبک زندگی خانواده اعمال می‌کردند به طوری که حتی در انتخاب رشته و شغل دختران خانواده دخالت و تأثیر داشتند و کارها و تصمیمات باید با تأیید آنها انجام می‌شد. این نفوذ عمدتاً مورد تأیید مادر خانواده که اقتدار بیشتری داشت قرار می‌گرفت. این سختگیری‌ها عمدتاً رنگ و بوی مذهبی داشت و به‌واسطه آن و نیز برخی تجربه‌های خانوادگی، فرد حتی از جنس مخالف با او تا ستین دانشگاه فراری می‌شود. در ۱۸ سالگی به دانشگاه می‌رود و در رشته‌ای دیگر غیر از آنکه به آن علاقه داشته ادامه تحصیل می‌دهد. در دوران دانشگاه، آزادی‌های بیشتری می‌یابد و رابطه‌اش با خانواده نیز بهبود پیدا می‌کند. در همین دوران به‌واسطه ارتباط دوستانه با یکی از آشنایان پسر، سر و کارش به بازداشت و دادگاه می‌افتد که تأثیرات منفی در ذهنش برجای می‌گذارد. پس از تحصیلات در یک کارخانه مشغول کار می‌شود. چندسال بعد به شیوه‌ای نسبتاً سنتی ازدواج می‌کند و پس از ازدواج خانه‌دار می‌شود. او اکنون به دلایل فرهنگی در سودای مهاجرت از ایران است.	- کودکی - نوجوانی - استحاله فرهنگی - ثبات نسبی

### ادامه جدول ۱ مشخصات و شرح حال مختصر موارد پژوهش

نام و مشخصات	شرح حال مختصر	مراحل روایت
آقای شین ۴۶ ساله متاهل دارای یک فرزند پزشک داروساز	در یک خانواده نسبتاً پرجمعیت در مشهد به دنیا آمده است. پدری با سواد ابتدایی و دارای شغل آزاد و مادری بی‌سواد و خانه‌دار. خانواده وی سنتی و مذهبی بودند. دوران دبستان وی مصادف با ایام انقلاب است. در مدرسه دانش‌آموز درسخوان و کوشایی بوده و در مسابقات قرآن کشوری نیز مقام می‌آورد. دوران دبیرستان به مدرسه‌ای می‌رود که بیشتر فضای آن درسی است. هم‌زمان آموزش موسیقی و مطالعات غیردرسی را نیز دنبال می‌کند. دانشگاه در رشته داروسازی قبول می‌شود و آن را تمام می‌کند. به تدریج بعد از جنگ و مخصوصاً در دوران دانشگاه تبدیل به یک منتقد وضع سیاسی موجود می‌شود. پس از دانشگاه، در تهران به سربازی می‌رود و پس از دو سال کار، یک داروخانه در یک شهر کوچک می‌خرد. در همان ایام به انتخاب خودش با خواهر دوستش ازدواج می‌کند. بعد از ده سال کار در شهر کوچک، داروخانه خود را به تهران منتقل می‌کند. او اکنون یک فرزند ۸ ساله دارد. همچنین در کنار اشتغال و موسیقی، مطالعات سیاسی و فلسفی نیز دارد.	- کودکی و اوایل نوجوانی - تغییر - ثبات نسبی
خانم میم ۴۰ ساله متاهل دارای یک فرزند کارشناس زبان خانه‌دار	در یک خانواده پرجمعیت نیمه مذهبی (پدر و خانواده پدری غیرمذهبی/ مادر و خانواده مادری مذهبی) با وضعیت اقتصادی متوسط به بالا در مشهد به دنیا آمده است. فضای سیاسی خانواده آنها نیز علی‌رغم مذهبی بودن، گرایش سیاسی خاصی نداشته است. همچنین اراده مادر در اداره زندگی آنها حاکم بوده است و بچه‌ها تحت تربیت مادر، بزرگ شده بودند. از دوران دبیرستان به تدریج تحت تأثیر خواهر بزرگ‌ترش قرار می‌گیرد و همچنین مطالعات غیردرسی را پی می‌گیرد. بعد از دیپلم با یک وقفه دوساله به دانشگاه می‌رود. در همین دوران به کوه‌نوردی و همچنین کارهای هنری علاقه‌مند شده و ارتباطات جدیدی پیدا می‌کند که او را جذب خود می‌کند. در همین دوران یک عشق ناکام را تجربه می‌کند که تأثیرات عمیقی روی او می‌گذارد. وی چندسال بعد ازدواج می‌کند و با همسرش به خارج کشور مهاجرت کرده و در آنجا صاحب فرزند می‌شود.	- کودکی - نوجوانی - استحاله - ثبات نسبی

در جدول ۱، مشخصات موارد پژوهش، خلاصه‌ای از شرح حال و دوره‌های تحلیل شده زندگی آنان آورده شده است. همان‌گونه که ذکر شد، شناخت دقیق فرایند تغییرات آنان مستلزم مطالعه کامل روایت هر فرد و تحلیل هر مرحله از زندگی وی است (که در اینجا ذکر آن مقدور نیست). بنابراین در ادامه، به ذکر خلاصه‌ای از وضعیت زندگی و تغییرات موارد پژوهش می‌پردازیم.

### جدول ۲ وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده موارد پژوهش در دوران کودکی

مورد	وضعیت اقتصادی - معیشتی	وضعیت اجتماعی - فرهنگی
۱ آقای الف	معیشت روستایی/ کشاورزی و دامداری/ خانواده پرجمعیت/ تغذیه نسبتاً مناسب/ محروم در سایر زمینه‌های اقتصادی	پدر و مادر بی‌سواد/ جلوگیری از ادامه تحصیل خواهران/ تأکید بر ادامه تحصیل برادران از سوی پدر/ فضای مذهبی و سنتی سختگیرانه
۲ آقای کاف	معیشت شهری/ کارخانه دار و تولیدکننده/ خانواده پرجمعیت/ مرفه و غنی	پدر و مادر سواد ابتدایی و قرآنی/ ادامه تحصیل فرزندان تا مقاطع متوسط/ عدم دخالت در تحصیل فرزندان/ فضای مذهبی مناسبی با سختگیری متوسط
۳ آقای ث	معیشت شهری/ فروشنده و پیشه‌وری/ خانواده پرجمعیت/ اقتصاد متوسط/ احساس محرومیت نسبت به همکلاسی‌ها	مادر بی‌سواد و پدر سواد مکتبی/ عدم دخالت در تحصیل فرزندان/ فضای مذهبی و سنتی مشوقانه

## ادامه جدول ۲ وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده موارد پژوهش در دوران کودکی

مورد	وضعیت اقتصادی - معیشتی	وضعیت اجتماعی - فرهنگی
۴ خانم ت	معیشت شهری / کارخانه دار و تولیدکننده / جمعیت متوسط / مرفه	پدر و مادر سواد متوسط و ابتدایی / عدم سختگیری مذهبی / فامیل مادری مذهبی و سختگیر
۵ خانم عین	معیشت شهری / فروشنده / جمعیت متوسط / اقتصاد متوسط	پدر و مادر سواد ابتدایی / مذهبی و سنتی با تأکید بر حجاب / جلوگیری از تحصیلات تکمیلی دختران بزرگتر خانواده
۶ خانم ف	معیشت شهری / کارمندی / خانواده نسبتاً پرجمعیت / اقتصاد متوسط رو به بالا	پدر و مادر باسواد و کارمند / سختگیری مذهبی تحت تأثیر پدر بزرگ
۷ آقای شین	معیشت شهری / ساخت و ساز، فروشنده / خانواده پرجمعیت / اقتصاد متوسط رو به پایین	پدر سواد ابتدایی و مادر بی سواد / فضای سنتی و مذهبی مناسکی و نسبتاً سختگیرانه
۸ خانم میم	معیشت نیمه شهری / حوزه حمل و نقل / خانواده پرجمعیت / اقتصاد متوسط رو به بالا	پدر و مادر سواد ابتدایی / پدر غیرمذهبی و مادر مذهبی / سختگیری مذهبی تحت تأثیر مادر

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، اکثر موارد پژوهش در خانواده‌هایی با اقتصاد و معیشت متوسط رشد کرده‌اند (۵ مورد). تنها دو مورد وضعیت اقتصادی مرفه و یک مورد وضعیت اقتصادی محروم داشته‌اند. البته باید توجه داشت که با توجه به بازه سنی موارد (۴۰ تا ۶۴ سال) وقتی از وضعیت اقتصادی حرف می‌زنیم، باید به نوع معیشت این افراد در زمان کودکی‌شان توجه کنیم که از دهه ۳۰ تا ۶۰ شمسی را شامل می‌شود. معمولاً در آن زمان، به‌خصوص در خانواده‌های سنتی، وضعیت رفاه خانواده نه با تجملات و وسایل آنچنانی و گران قیمت، بلکه با معیارهایی مانند نوع و اندازه مسکن و نیز وضعیت خوراک و تا حدی پوشاک و همچنین میزان مهمانی‌ها و دورهمی‌ها مشخص می‌شود. در دو موردی که زندگی مرفهی داشتند، مشخصاً معرف‌هایی مانند منزل بزرگ و پررفت و آمد، داشتن خدمتکار و پرستار بچه و نیز نداشتن احساس محرومیت نسبی نسبت به اطرافیان به چشم می‌خورد.

در مواردی نیز که زندگی متوسط (رو به بالا / معمولی / رو به پایین) داشتند در مورد تأمین مایحتاج معمول زندگی مشکلی وجود نداشته و اغلب دارای یک زندگی معمولی با وسایل معمولی بوده‌اند؛ اگرچه در برخی از موارد احساس محرومیت نسبی مشاهده می‌گردد.

در موردی که سطح اقتصادی محروم داشته است، اگرچه در خوراک و تأمین غذایی احساس محرومیت نسبی وجود نداشته، ولی در سایر موارد فرد به شدت احساس محرومیت نسبی می‌کرده که بخشی از آن به دلیل معیشت روستایی و سبک زندگی بوده است.

از نظر سواد والدین نیز جز یک مورد که والدینش سواد دیپلم (در چند دهه پیش) داشته و به همین واسطه کارمند بوده، مابقی والدین بی سواد یا در حد ابتدایی بوده‌اند. دیگر اینکه تقریباً همه موارد مورد بررسی در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که فضایی سنتی و اغلب مذهبی داشته است. حتی در مواردی که یک یا هر دوی والدین در زمینه مذهبی حساسیت و سختگیری نداشته‌اند، دیگرانی از خانواده مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ یا خانواده مادری بوده‌اند که این سختگیری را به وجود آورند (مورد خانم ت و خانم ف). به هر حال بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در همه موارد پژوهش (که تغییرات ارزشی را تجربه کرده‌اند)، جامعه‌پذیری اولیه در محیط‌هایی مذهبی و سنتی با درجات سختگیری و حساسیت کم‌وبیش متفاوت انجام گرفته است. حتی در مورد جریان جامعه‌پذیری در مدارس نیز، در ۶ مورد، این امر در مدارس ابتدایی پس از انقلاب با فضای مذهبی و ایدئولوژیک صورت گرفته و در ۲ موردی که دوران مدرسه را پیش از انقلاب گذرانده‌اند نیز فضای مذهبی بر مدرسه آنان حاکم بوده است.

بنابراین باید گفت که (بدون آن که در انتخاب موارد پژوهش این مسئله در نظر گرفته شده باشد) سیر تغییر و استحاله فرهنگی همه موارد پژوهش از نوعی زندگی همراه با دین‌داری و ارزش‌های فرامادی دین‌دارانه و نیز اعتقاد به سیاست دینی، به سوی عدم اعتقاد به دین در معنای متعارف (و نه لزوماً وجود خدا)، ارزش‌های فرامادی غیردینی (عرفی)، سبک زندگی غیردینی و سیاست غیردینی (سکولاریسم) است.

### جدول ۳ - تجربیات و تغییرات موارد پژوهش درباره حجاب

ردیف	مورد	تجربه و مواضع نسبت به حجاب در گذشته	تجربه و مواضع نسبت به حجاب در زمان حال
۱	آقای الف	- تجربه خانواده کاملاً محجبه و سختگیر در مورد زنان - سختگیری نسبت به حجاب خواهران در نوجوانی - آزار دیدن (به لحاظ ارزشی) از دیدن موی زنان در اوایل دانشجویی - علاقه‌مند به ازدواج با زن محجبه و مذهبی	- به حجاب (به همراه سایر قواعد فقهی) اعتقادی ندارد اگرچه معتقد است زنان محجبه و مذهبی نسبتاً قابل اعتمادترند.

۱ چراکه ملاک اصلی ما در انتخاب موارد پژوهش (علاوه بر متغیرهایی که در بخش روش اشاره شد)، تنها آگاهی به این نکته بوده که آنها در طول زندگی، تغییرات واضح و شدید فرهنگی را تجربه کرده باشند و به هیچ وجه جهت این تغییرات در این انتخاب ملاحظه نظر نبوده است.

ادامه جدول ۳ - تجربیات و تغییرات موارد پژوهش دربارهٔ حجاب

ردیف	مورد	تجربه و مواضع نسبت به حجاب در گذشته	تجربه و مواضع نسبت به حجاب در زمان حال
۲	آقای کاف	- تجربه خانواده کاملاً محجبه و سختگیر در مورد زنان - همسر چادرپوش در خانواده پدری و محجبه در سایر اماکن	- از اوایل دهه ۶۰ به حجاب (به همراه سایر قواعد فقهی) اعتقادی ندارد - در مورد حجاب دخترانش تحمیل و نظری ندارد - ترجیحش این است که دخترانش در جمع‌های مذهبی حجاب حداقلی را رعایت کنند
۳	آقای ث	- تجربه خانواده کاملاً محجبه - مشاهده زنان بی‌حجاب در خیابان و بد دانستن آنها در کودکی و نوجوانی - تجربه آشنایان و دوستان زن بی‌حجاب در جوانی و اصلاح نگاه به زنان بی‌حجاب (بد ندانستن آنها) - ترجیح دادن همسر باحجاب (ولی نه به شکل چادر)	- مخالفت باحجاب اجباری و ظلم دانستن آن نسبت به زنان - اعتقاد به پوشش انتخابی زن (نه به شکل اروپایی) - در مورد حجاب دخترانش تحمیل و نظری ندارد
۴	خانم ت	- تجربه خانواده کاملاً محجبه و سختگیر در مورد زنان - تجربه اجبار به چادر در حضور فامیل مادری - تجربه سختگیری حجاب در مدرسه و دانشگاه - اجبار به چادر از سوی خانواده همسر در اوایل ازدواج - کنار گذاشتن چادر بعد از تولد اولین فرزند به خاطر راحتی - از دوران دبیرستان حجاب را معادل دین‌داری نمی‌دانسته	- به حجاب سر اعتقادی ندارد - ترجیح می‌دهد بدنش پوشیده باشد و لباس بدن نما نپوشد
۵	خانم عین	- تجربه خانواده کاملاً محجبه و سختگیر در مورد زنان - دانش‌آموز نمونه مدرسه از نظر حجاب - معاشرت و دوستی با همکلاسی‌های مدرسه فارغ از وضع حجاب آنها - سختگیری‌های مدرسه در مورد حجاب برایش سؤال برانگیز بودند - سختگیری حجاب در محیط تربیت معلم	- به فلسفه حجاب باور ندارد - معتقد است از حجاب سوء استفاده سیاسی می‌شود. - رعایت حجاب را منوط به موقعیت می‌کند و بسته به آن با حجاب یا بی‌حجاب است.

ادامه جدول ۳ - تجربیات و تغییرات موارد پژوهش درباره حجاب

ردیف	مورد	تجربه و مواضع نسبت به حجاب در گذشته	تجربه و مواضع نسبت به حجاب در زمان حال
۶	خانم ف	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تأکید خانواده بر حجاب بیش از سایر شرعیات و باحجاب بودن زنان حتی در منزل</li> <li>- تجربه اجبار به چادر از کودکی در حضور برخی اطرافیان</li> <li>- ترس شدید از بی‌حجابی به‌طوری که گاهی با جوراب و مقنعه می‌خوابیده (۹ سالگی)</li> <li>- تجربه خواهر عصیانگر و بی‌حجاب در دوران نوجوانی</li> <li>- اجبار به چادر در محیط دانشگاه</li> <li>- تجربه افراد بی‌اعتقاد به حجاب با وجود خانواده‌های مذهبی در دوران خوابگاه</li> <li>- توصیه از سوی برادر به پوشیدن لباس زیبا در مهمانی‌هایی که مردان هم حضور دارند (دوران دانشجویی)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- از دوران دانشگاه اعتقادی به حجاب ندارد و آن را رعایت نمی‌کند و در مهمانی‌ها بدون حجاب ظاهر می‌شود</li> <li>- درخواست همسر و خانواده همسری مذهبی را برای رعایت حجاب در جمع‌ها نمی‌پذیرد.</li> <li>- خرسندی از اینکه برخی از زنان فامیل به تاسی از او حجاب را کنار گذاشته‌اند</li> </ul>
۷	آقای شین	<ul style="list-style-type: none"> <li>- خانواده محجبه</li> <li>- تجربه دختران بی‌حجاب همسایه و بدندانستن آنها (اگر چه آن را مختص و متناسب با آن خانواده می‌دانستند)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- به حجاب اعتقادی ندارد</li> <li>- با یک دختر و خانواده بی‌حجاب وصلت کرده است</li> </ul>
۸	خانم میم	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تجربه خانواده کاملاً محجبه و سختگیر در مورد زنان</li> <li>- تجربه زندایی خوب، اما بی‌حجاب که آن را برخلاف سایر بی‌حجابان بد و فاسد نمی‌دانسته</li> <li>- وحشت از اینکه حجابش درست نباشد یا مویش دیده شود</li> <li>- علاقه‌مند شدن به حجاب در دبیرستان</li> <li>- تجربه زنان با حجاب‌های متفاوت در دوران پس از دبیرستان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- به حجاب اعتقادی ندارد و آن را جز در محیط‌های اجباری رعایت نمی‌کند</li> <li>- حجاب را ظلم به زنان و ناشی از مردسالاری می‌داند</li> </ul>

با اینکه منطقاً باید حجاب را نیز همراه با بقیه باورها و ارزش‌ها دین‌دارانه سنجید، اما هم به‌دلیل اهمیتی که این متغیر هم در تعریف دین‌داری فرد (از سوی دیگران) در جامعه ایران و هم در سبک زندگی او دارد و هم به‌دلیل نقش پررنگ‌تری که برای لااقل نیمی از موارد پژوهش (زنان) در روایت تغییرات آنها داشته و نیز از آن روی که تجلی عینی (قابل مشاهده) بیشتری در رفتار و زندگی فرد دارد، به‌صورت جداگانه بررسی شده است.

همان‌گونه که در جدول ۳ اشاره شده است، تقریباً تمامی موارد پژوهش در دوران کودکی و نوجوانی، تجربه و موضع کم‌وبیش یکسانی در مورد حجاب داشته‌اند. در تربیت خانوادگی و آموزه‌هایی که در خانواده و مدرسه فراگرفته بودند، بی‌حجابی زنان گناه و امر ناپسندی شمرده می‌شده است و خانواده سنتی و مذهبی آنان در امر حجاب مقید بوده‌اند. تقریباً همگی می‌گویند که در کودکی، فرد بی‌حجاب را آدم بدی می‌دانسته‌اند. اگرچه به تدریج و از دوران نوجوانی به بعد مواضع و بعضاً تجارب شخصی آنان رو به تغییر گذاشته است.

در مورد وضع فعلی تمامی موارد پژوهش باید گفت که اکنون هیچ‌کدام به حجاب به‌عنوان یک واجب شرعی اعتقادی ندارند و هر جا که لازم بدانند یا امکانش باشد خود یا همسر و فرزندان‌شان بی‌حجاب ظاهر می‌شوند. رعایت حجاب از سوی آنان در وضع فعلی، ناشی از قوانین جامعه و یا عرف محیط می‌باشد.

جدول زیر خلاصه‌ای از وضعیت فرهنگی (ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، رفتارهای) گذشته، دوران تغییر و فعلی موارد پژوهش را نشان می‌دهد<sup>۱</sup>:

جدول ۴ - وضعیت فرهنگی موارد پژوهش در گذشته، دوران گذار و زمان حال

ردیف	مورد	وضعیت گذشته	وضعیت دوران گذار	وضعیت فعلی
۱	آقای الف	- آشنایی و تقید به احکام دینی از اواخر کودکی تحت نظارت پدر - عضویت در نهادها و گروه‌های مذهبی (بسیج دانش‌آموزی و محله، دوره قرآن، هیات و...) - تعهد به مسائل مذهبی بیش از خانواده - رفتن به جبهه در نوجوانی، دو بار مجروحیت و بازگشت دوباره به جبهه تا پایان جنگ - تعمیق باورها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی و انقلابی در دوره جبهه - حساسیت بر رعایت موازین و احکام دینی در جامعه	- ورود به دانشگاه و تجربه مواجهه با اندیشه‌های جدید فرهنگی، سیاسی و دینی - مشاهده رفتارها و مواضع مبتنی بر بی‌عدالتی، انحصارطلبی، نفاق و تبعیض از سوی سیاسیون و مذهبی‌ها - دوری و طرد از گروه‌های سابق (رزمندگان و...) - تمایل به سمت اصلاح‌طلبان - آشنایی با آثار روشنفکران و مخصوصاً شریعتی - تشکیک در برخی باورهای پیشین مذهبی و سیاسی - ورود به تحصیلات تکمیلی آشنایی با دوستان و حلقه‌های فکری و فرهنگی و منابع شناختی جدید - آشنایی با باورها و ارزش‌های جدید	- عدم یقین به وجود خدا و عدم تأثیر او در زندگی وی - عدم اعتقاد به دین و باورها و مناسک دینی - تأکید بر اخلاق در تربیت فرزندان به‌جای مفاهیم و مناسک دینی - آزار دیدن از فضای ریاکاری در جامعه - اعتقاد به حکومت سکولار منتخب مردم

۱ شناخت دقیق فرایند تغییر فرهنگی موارد پژوهش مستلزم خوانش دقیق روایت آنها و تحلیل داده‌های آن است و آنچه در اینجا (به‌دلیل محدودیت مقاله) به آن اشاره می‌شود تنها ناظر به برخی از مهم‌ترین تجربیات و مواضع آنها در روایتشان است و بیشتر به کار مقایسه و فهم نوع و میزان تغییرات می‌آید تا فرایند آن.



ادامه جدول ۴ - وضعیت فرهنگی موارد پژوهش در گذشته، دوران گذار و زمان حال

ردیف	مورد	وضعیت گذشته	وضعیت دوران گذار	وضعیت فعلی
۲	آقای کاف	<ul style="list-style-type: none"> <li>- رشد در خانواده و محیط مذهبی همراه با مناسک و مراسم دینی</li> <li>- گریز از جمع‌های متعصب مذهبی</li> <li>- آشنایی با معلم مذهبی محبوب در دوران دبیرستان و عضویت در گروه‌های مذهبی و کتابخوانی</li> <li>- آشنایی با گروه‌های سیاسی و مذهبی در دانشکده و سرپازی</li> <li>- پایبندی به رعایت احکام متعارف شرعی</li> <li>- مطالعه آثار شرعی</li> <li>- حضور فعال در مبارزات زمان انقلاب مانند تظاهرات، مراسم استقبال از آیت الله خمینی، فعالیت فرهنگی و سیاسی در مسجد محل</li> <li>- جانباز شدن در بمب‌گذاری مسجد</li> <li>- فعالیت داوطلبانه در سازندگی روستاها تا چند ماه پس از پیروزی انقلاب</li> <li>- ازدواج سیاسی و اعتقادی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- جدایی از جهاد سازندگی و کنار گذاشتن فعالیت رسمی سیاسی با مشاهده خشونت‌ها، تبعیض‌ها، طردها و سرکوب‌های نیروهای سیاسی بعد از انقلاب</li> <li>- مخالف حاکم شدن قوانین فقهی و قدرت گرفتن روحانیان بعد از انقلاب</li> <li>- تمایل به سمت نیروهای ملی مذهبی و روشنفکران دینی</li> <li>- شرکت و حضور فعال در جلسات مذهبی و فرهنگی</li> <li>- حفظ نیمی از قرآن و معانی آن</li> <li>- یافتن استادان و حلقه دوستان جدید</li> <li>- گرایش به تفسیرهای نو از دین و قرآن</li> <li>- متأثر شدن از کشته شدن یکی از استادانش در قتل‌های زنجیره‌ای</li> <li>- احساس تعلق به گروه انقلابیون مطرود</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کنار گذاشتن کامل باورها و مناسک مذهبی</li> <li>- عدم یقین به وجود خدا و عدم تأثیر او در زندگی وی</li> <li>- باور به انسان و کرامت انسانی</li> <li>- اعتقاد به سعادت انسان‌ها بر مبنای فطرت (نه لزوماً مذهب)</li> <li>- عدم تأکید بر رفتارهای مذهبی در تربیت فرزندان</li> <li>- فعالیت در کارهای خیریه</li> <li>- بانی جلسات فرهنگی و دینی با هدف آگاهی‌بخشی</li> <li>- باور به حکومت دموکراسی سکولار همراه با احترام به مسلمانان</li> </ul>
۳	آقای ت	<ul style="list-style-type: none"> <li>- رشد در محیط و خانواده سختگیر مذهبی</li> <li>- حضور در جلسات قرآن و احکام به همراه پدر</li> <li>- کودکی دارای وجهه مذهبی در فامیل</li> <li>- تجربه دبیرستان نیمه‌مذهبی و معلم دینی محبوب</li> <li>- علاقه‌مندی و رعایت کامل احکام مذهبی</li> <li>- شرکت در جلسات تفسیر قرآن و آموزش زبان عربی برای فهم معانی آن</li> <li>- تأثیر از شریعتی، طالقانی، آل‌احمد و... در دبیرستان و دانشگاه و ارتباط با گروه‌های سیاسی مبارز</li> <li>- گرایش به عدالت‌طلبی، اسلام سیاسی و گروه‌های چپ</li> <li>- اهل دعا و قرآن و نهج‌البلاغه و نماز شب</li> <li>- تفسیر عدالت‌طلبانه از اسلام و نهج‌البلاغه و مخالفت با اسلام و روحانیان سنتی</li> <li>- ورود و فعالیت داوطلبانه در جهاد سازندگی در بعد از انقلاب</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- مخالف حاکم شدن قوانین فقهی و قدرت گرفتن روحانیان بعد از انقلاب</li> <li>- جدایی از جهاد سازندگی و کنار گذاشتن فعالیت رسمی سیاسی با مشاهده خشونت‌ها، تبعیض‌ها، طردها و سرکوب‌های نیروهای سیاسی بعد از انقلاب</li> <li>- اعتقاد به عدم پایبندی حکومت به اسلام ناب و رهایی بخش</li> <li>- رفتن به زندان تا استانه اعدام به اتهام سیاسی</li> <li>- ادامه مطالعات دینی، قرآنی و عرفانی در زندان</li> <li>- تأثیر از روشنفکران دینی مانند شریعتی و بازرگان</li> <li>- یافتن استادان و حلقه دوستان جدید</li> <li>- باور به احکام فقهی به‌عنوان پوسته دین</li> <li>- نگاه و تفسیر انتقادی از دین و قرآن</li> <li>- کشته شدن یکی از استادانش در قتل‌های زنجیره‌ای</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تشکیک در وجود خدا و پیامبران</li> <li>- تأکید بر درستکاری و راستگویی در تربیت فرزندان به جای مناسک و احکام دینی</li> <li>- باور به اینکه دین، اختراع پیامبران برای دعوت به خیر و پاسخگویی به نیازهای بشر بوده است</li> <li>- باور به نامناسب بودن برخی آیات قرآن برای زمان فعلی و هم عرض دانستن آن با سایر عرفان‌ها و مکاتب</li> <li>- مشارکت در برخی جلسات فکری، فرهنگی و دینی</li> <li>- گرایش به عرفان‌های انسان محور به جای دین</li> <li>- آزار دیدن از جهل و خرافه مردم</li> </ul>

ادامه جدول ۴ - وضعیت فرهنگی موارد پژوهش در گذشته، دوران گذار و زمان حال

ردیف	مورد	وضعیت گذشته	وضعیت دوران گذار	وضعیت فعلی
۴	خانم ت	<p>- رشد در خانواده پایبند به دین ولی بدون سختگیری در انجام احکام</p> <p>- تجربه سختگیری فامیل مادری مذهبی</p> <p>- ارتباط صمیمانه با خدا در کودکی</p> <p>- انجام احکام و مناسک مذهبی از سن تکلیف</p> <p>- آرزوی شهادت تحت تأثیر تبلیغات دوران جنگ</p> <p>- دبیرستان سختگیر در زمینه حجاب و رابطه با جنس مخالف</p> <p>- تأکید معلم پرورشی بر ترساندن از عذاب الهی در صورت عدم پایبندی به حجاب یا رابطه با جنس مخالف</p> <p>- پایبندی کامل، اما ناخوشایند به احکام دینی از ترس عقوبت الهی</p>	<p>- احساس منفی از نگاه به زن در دستورات و متون دینی</p> <p>- ورود به دانشگاه و آشنایی با نظریات جدید در علوم انسانی</p> <p>- باور به اینکه دین نیز مانند سایر نظریات، یکسری فرضیات تأیید نشده است</p> <p>- یافتن حلقه دوستان جدید</p> <p>- حفظ حجاب چادر به خاطر اجبار در دانشگاه و خانواده مذهبی همسر</p> <p>- تأثیر از یکی از استادان دانشگاه</p> <p>- تجربه سفر به کشورهای خارجی و تأثیر از ارزش‌ها و سبک زندگی آنان</p>	<p>- فقط به خدا به عنوان یک موجود برتر اعتقاد و با او رابطه دارد</p> <p>- نگاه انتقادی به پیامبران و امامان</p> <p>- باور به اینکه روی هیچ عقیده‌ای نباید پافشاری کرد</p> <p>- باور به نیاز بشر به ارتباط با یک موجود برتر</p> <p>- باور نداشتن به گناه در صورت عدم انجام تکالیف دینی</p> <p>- عدم اعتقاد به حجاب شرعی</p> <p>- اهل نذر برای امور خیریه</p> <p>- سودای مهاجرت به خارج</p>
۵	خانم ف	<p>- رشد در خانواده مذهبی و سختگیر به خصوص در مورد حجاب و معاشرت با جنس مخالف</p> <p>- ترس شدید از خدا و گناه در کودکی</p> <p>- ترس و تنفر شدید از جنس مخالف در کودکی و نوجوانی</p> <p>- جلوگیری خانواده از تحصیل در رشته هنر به خاطر مسائل مذهبی</p> <p>- رفتن به روزه و کلاس احکام</p> <p>- پایبندی به احکام مذهبی به خصوص حجاب در نوجوانی</p> <p>- عدم اطلاع از مسائل جنسی تا زمان دانشگاه</p> <p>- تجربه شوهر خواهر مذهبی، اما بدخو و آزاردهنده</p>	<p>- تجربه یک خواهر عصیانگر و یک خواهر مذهبی که در زندگی شکست خورده بود</p> <p>- تشکیک در برخی باورها و احکام دینی از دوران دبیرستان</p> <p>- ورود به دانشگاه و کم شدن سختگیری‌های خانواده</p> <p>- کنار گذاشتن حجاب و معاشرت با جنس مخالف تحت نظر خانواده</p> <p>- سختگیری دانشگاه و جامعه در مورد حجاب و معاشرت با جنس مخالف</p> <p>- تجربه احضار به حراست دانشگاه توسط یک روحانی به خاطر معاشرت با مردان</p> <p>- تجربه بازداشت و حکم شلاق به خاطر معاشرت با یک پسر تحت نظارت خانواده</p> <p>- احساس تنفر از دین و نمایندگان آن</p> <p>- تجربه سفر به کشورهای خارجی و تأثیر از ارزش‌ها و سبک زندگی آنان</p>	<p>- باور به خدا و ارتباط با او</p> <p>- عدم باور و پایبندی به دستورات دینی</p> <p>- باور به ملاک بودن عقل و منطق در زندگی (در مقابل احکام الهی)</p> <p>- مقاومت در برابر خواست همسر و خانواده‌اش برای رعایت حجاب</p> <p>- اهل نذر برای امور خیریه و کمک به فقرا</p> <p>- دین را وسیله دست قدرتمندان می‌داند</p> <p>- حفظ روحیه مردستیزی و انتقاد از مردسالاری در جامعه</p> <p>- باور به سبک زندگی و تربیت غربی‌ها به خصوص در مورد زنان و مسائل جنسی</p> <p>- سودای مهاجرت به خارج</p>

ادامه جدول ۴ - وضعیت فرهنگی موارد پژوهش در گذشته، دوران گذار و زمان حال

ردیف	مورد	وضعیت گذشته	وضعیت دوران گذار	وضعیت فعلی
۶	خانم عین	<p>- رشد در خانواده مذهبی و سختگیر به خصوص در مورد حجاب و معاشرت با جنس مخالف</p> <p>- رفتن به روضه و جلسات مذهبی همراه مادر از کودکی</p> <p>- علاقه به خدا و عدم ترس از او در کودکی</p> <p>- دانش آموز نمونه و تقدیر شده دین داری و حجاب در راهنمایی و دبیرستان</p> <p>- برحق دانستن کامل اسلام و مقدس دانستن رهبران نظام در نوجوانی</p> <p>- قضاوت دیگران بر مبنای مذهبی و انقلابی بودن آنها</p> <p>- علاقه مند به مطالعات غیردرسی</p> <p>- انتقاد به سختگیری های بیش از حد مدرسه در مورد پوشش</p> <p>- عضویت در بسیج دانشجویی در سال اول دانشگاه</p>	<p>- مطالعه آثار شریعتی از دبیرستان و علاقه فراوان به او</p> <p>- تجربه فضای بسته و سختگیرانه تربیت معلم</p> <p>- علاقه مندی به تحصیل علوم انسانی و اجتماعی در دانشگاه</p> <p>- آشنایی با گروه های نواندیش و اندیشه های جدید سیاسی و مذهبی در دانشگاه</p> <p>- تمایل به سمت اصلاح طلبان</p> <p>- مطالعه آثار روشنفکران دینی مانند سروش</p> <p>- آشنایی و مراوده با استادان و دوستان جدید</p> <p>- تشکیک در باورهای مذهبی و سیاسی پیشین</p>	<p>- رابطه با خدا به عنوان یک موجود دوست داشتنی و مهربان</p> <p>- عدم باور و تقید به احکام و دستورات دینی</p> <p>- انتقاد از نظام سیاسی، رواج ریاکاری و درآمیختن مذهب و سیاست</p> <p>- علاقه مند به فمینیسم</p> <p>- باور به کثرت گرایی و آزادی انتخاب انسان</p> <p>- باور به هم عرض بودن دین با سایر مکاتب و نظریه ها و سنجش آنها با ملاک عقل</p>
۷	آقای شین	<p>- رشد در خانواده مذهبی اخلاقی گرا و ناظر بر انجام واجبات دینی</p> <p>- آشنایی با مفاهیم و احکام مذهبی در خانواده و محله</p> <p>- علاقه مند به امور مذهبی و انجام احکام دینی و پرهیز از گناه، فراتر از انتظار خانواده</p> <p>- مقام آوردن در مسابقات قرآن کشوری و تشویق خانواده</p> <p>- مترادف و برحق دانستن نظام و اسلام تا اوایل نوجوانی</p> <p>- علاقه مند به مطالعات غیردرسی</p>	<p>- آشنایی و معاشرت با دو نفر از اقوام بزرگ تر و انجام مطالعات غیردرسی و نیز آشنایی با موسیقی زیر نظر آنها</p> <p>- جو غیررسمی روشنفکرانه در دبیرستان علی رغم جو رسمی مذهبی و ایدئولوژیک</p> <p>- مطالعه آثار شریعتی در دبیرستان و سروش در دانشگاه</p> <p>- مشاهده تناقض در رفتار و گفتار روحانیت رسمی</p> <p>- نگاه انتقادی به برخی رویه ها و وقایع سیاسی (مانند ادامه جنگ، سانسور، حذف ها و اعدام ها)</p> <p>- تغییر تدریجی در باورهای مذهبی و سیاسی از اواخر دبیرستان</p> <p>- کنار گذاشتن تدریجی احکام مذهبی و باور به قرائت روشنفکرانه و اخلاقی (غیرمناسک گرا) از اسلام</p> <p>- تجربه سکونت در تهران و یافتن دوستان جدید و معاشرت با افراد غیرمذهبی اخلاقی گرا بعد از دانشگاه</p>	<p>- عدم باور قطعی به وجود خدا</p> <p>- انجام گاه به گاه برخی مناسک مذهبی مانند نماز و زیارت</p> <p>- عدم تمایل به تربیت دینی فرزندان</p> <p>- معتقد است حکومت دینی، نسل جدید را دین گریز کرده است</p> <p>- باور به آزادی در انتخاب سبک زندگی و احترام به انتخاب های نسل جدید</p> <p>- باور لزوم معاشرت کودکان با جنس مخالف از کودکی و رابطه جنسی قبل از ازدواج</p> <p>- معتقد به دموکراسی سکولار</p>

## ادامه جدول ۴ - وضعیت فرهنگی موارد پژوهش در گذشته، دوران گذار و زمان حال

وضعیت فعلی	وضعیت دوران گذار	وضعیت گذشته	مورد	ردیف
<p>- به خدا باوری ندارد</p> <p>- از نظر او اراده و انرژی انسانی مهم است</p> <p>- تفکر عمیق به انسان را با مذهبی بودن مغایر می‌داند</p> <p>- باور به ناسازگاری مذهب و تجدد</p> <p>- باور به آزادی انسان‌ها</p> <p>- مهاجرت و زندگی در خارج از کشور</p>	<p>- تجربه خواهر بزرگ‌تر محبوب و الگو، اما نسبتاً دگراندیش و چالش او با مادر</p> <p>- تجربه شوهرخواهر مذهبی، اما بدخو و آزارده و دفاع مادر از او به‌خاطر مذهبی بودن</p> <p>- عدم اعتماد به مذهبی‌ها و متناقض دانستن آنها</p> <p>- مطالعه آثار شریعتی و آل احمد و... از دبیرستان</p> <p>- پیدا کردن حلقه دوستان جدید غیرمذهبی و محبوب</p> <p>- کم‌رنگ شدن تقید به احکام مذهبی</p> <p>- تجربه عاشقی و پیدا کردن تجربه‌های عارفانه</p> <p>- فوت پدر و تجربه شکست عشقی</p> <p>- بی‌اعتماد شدن به خدا و فروریختن باورهای پیشین</p>	<p>- رشد تحت نظارت و سختگیری مادر مذهبی</p> <p>- تجربه ناخوشایند کلاس‌های قرآن در کودکی</p> <p>- تجربه خوشایند روضه‌های زنانه در کودکی</p> <p>- درونی شدن تقید به احکام مذهبی (واجبات و مستحبات) در کودکی و نوجوانی و شاخص بودن از این نظر در مدرسه</p> <p>- توبه در صورت انجام گناه (مانند دیده شدن مو)</p> <p>- علاقه‌مند به دین‌داری و ارتباط با خدا مطابق انتظار خانه و مدرسه و دریافت تأیید</p> <p>- تجربه زن‌دایی خوب و ایده‌آل، اما بی‌حجاب (تناقض)</p> <p>- سرکوب میل به رابطه با جنس مخالف</p>	خانم میم	۸

چنانکه در جدول ۴ مشخص است، روایت‌ها به ما می‌گویند که همه موارد پژوهش در خانواده‌هایی سنتی و مذهبی به دنیا آمده و رشد کرده‌اند. اگر چه به روایت آنان گاهی پدر مذهبی‌تر بوده و گاهی مادر (و در اغلب موارد هر دو)، اما قدر مسلم اینکه در خانواده‌های همه آنان همه واجبات و موازین مذهبی مانند نماز، روزه، حجاب کامل، عدم اختلاط مرد و زن و... رعایت می‌شده است. بسیاری از آنان در کودکی در منازل خود و اطرافیان‌شان مراسم مذهبی جمعی مانند روضه و عزاداری داشته‌اند و به دوره‌های قرآن یا کلاس‌های احکام و مانند آن می‌رفته‌اند.

با این وجود، بیشتر موارد پژوهش دین‌داری شدید و عمیق خود را در دوران نوجوانی و آغاز جوانی و تحت تأثیر محیط‌های فراتر از خانه مانند مدرسه، مسجد، انجمن و... کسب کرده‌اند. در واقع، باید گفت هماهنگی و هم‌افزایی خانه و محیط بیرونی آن موجبات عمیق و شدید شدن دین‌داری آنان را فراهم کرده است. اما در ادامه زندگی، با افزایش تعداد و گستره محیط‌ها، تجربه و موضع دین‌داری آنان رو به تغییر نهاده است. به طوری که می‌توان گفت در حال حاضر همگی آنان از این جهت دستخوش تغییرات بنیانی و استحاله شده‌اند.

## نتایج پژوهش

### بررسی انطباق فرضیات اینگلهارت بر موارد پژوهش

در بررسی تطابق فرضیات اینگلهارت (کمیابی و اجتماعی شدن) بر موارد پژوهش باید گفت اکثر افراد (۵ مورد) در دوران کودکی، دارای سطح زندگی متوسط بوده‌اند. همچنین دو مورد دارای رفاه اجتماعی و یک مورد نیز دارای محرومیت بوده است. اگرچه این تیپولوژی به خصوص درباره موارد متوسط و محروم دقیق نیست و شاید نتوان با اطمینان کامل، موارد پژوهش را در این دو دسته جای داد، اما این مسئله خللی در تحلیل ما وارد نمی‌کند؛ چراکه اساساً در آن طرف ماجرا نمی‌توان هیچ‌گونه دسته‌بندی خاصی از میزان اهمیت ارزش‌های مادی یا فرامادی برای موارد پژوهش به دست داد. به عبارت روشن‌تر، در بررسی موارد پژوهش بر اساس تقسیم‌بندی اینگلهارت، نمی‌توان هیچ خط روشنی بین افراد مورد مطالعه از حیث میزان اهمیت ارزش‌های مادی و فرامادی در دوران پس از بلوغ کشید و حتی اگر قرار باشد مسامحتاً خطی کشیده شود و افراد از این حیث دسته‌بندی شوند، برخلاف انتظاری که نظریه اینگلهارت به وجود می‌آورد، برخی از افرادی که بعدها به ارزش‌های مادی اهمیت بیشتری می‌دهند، نه کسانی که کودکی محرومی داشته‌اند، بلکه کسانی هستند که کودکی آنها همراه با ناامنی اقتصادی و محرومیت نسبی بوده است:

در میان موارد تحقیق، آقای الف بیش از بقیه، دوران کودکی همراه با ناامنی و محرومیت را گذرانده است. او تنها کسی است که در این میان معیشت روستایی را همراه با کار در کنار تحصیل در یک خانواده پرجمعیت محروم تجربه کرده است. با این وجود در بررسی دوران بعد از بلوغ وی کمتر نشانی از اهمیت ارزش‌های مادی برای او به چشم می‌خورد. او پس از بلوغ و در نوجوانی به جبهه می‌رود و سال‌های نوجوانی را در آنجا می‌گذراند. بعد از آن به ادامه تحصیلات رهاشده‌اش می‌پردازد و به دانشگاه می‌رود. او بیان می‌کند که در این سال‌ها اساساً به اینکه می‌بایست به فکر آینده خود (شغل، پس‌انداز، درآمد و...) باشد نبوده است. بعدها نیز که به شغل معلمی مشغول می‌شود و به‌واسطه سابقه و موقعیت خود (رزمندگی و جانبازی) می‌تواند مراتب پیشرفت و دستیابی به مقام را راحت‌تر از بقیه همکارانش طی کند، به‌خاطر پایبندی به ارزش‌های فرامادی که گمان می‌کند درست است، شانس ارتقاء در سیستم رسمی را از دست می‌دهد و حتی از دریافت برخی امتیازات باز می‌ماند.

از آن سو در مورد خانم ت که کودکی مرفه‌ی داشته است و به‌گفته خودش هیچ‌گاه طعم محرومیت را نچشیده است، هنگام ازدواج، معیارهای فرامادی خویش را (که شامل تشکیک در بعضی اصول و تعالیم مذهبی بوده) کنار می‌گذارد و با یک پزشک مذهبی ازدواج می‌کند به‌گونه‌ای که بعدها در زندگی مشترک نیز تفاهم ارزشی با وی ندارد و دچار چالش است، اما می‌بینیم که در مهم‌ترین انتخاب زندگی وی، ارزش‌های مادی (طبقه، پرستیژ، درآمد و...) بر ارزش‌های فرامادی تقدم می‌یابد.

البته آنچه گفته شد به این معنا نیست که یافته‌های ما عکس نظریه اینگلهارت را نشان می‌دهند، بلکه حداکثر می‌توان گفت تناسبی میان مدعای این نظریه و یافته‌های این پژوهش وجود ندارد و موارد بررسی شده ادعای این نظریه را تأیید نمی‌کنند؛ چراکه مثلاً در موارد آقای ک و آقای ث نیز (که جز در دوران کودکی که یکی در خانواده مرفه و متمول و دیگری در خانواده متوسط رو به پایین بوده‌اند، بقیه روایت زندگی‌شان در دوران بعد از بلوغ کم‌وبیش شبیه هم است)، می‌بینیم که ارزش‌های فرامادی جایگاه ویژه‌تر و با اهمیت‌تری نسبت به ارزش‌های مادی در زندگی آنها داشته است. چنان‌که هر دو که دوران جوانی خویش را هم‌زمان با انقلاب و سال‌های نخست آن گذرانده‌اند بیان می‌کنند که در آن سال‌ها علی‌رغم فعالیت‌های فراوان داوطلبانه سیاسی، فکری و مدنی، اصلاً به فکر ساختن آینده زندگی شخصی خویش نبوده‌اند و به‌همین دلیل تا سال‌ها بعد از آن به فکر درآمد، شغل و نظایر آن نبوده‌اند. همچنین با توجه به فعالیت آنان در انقلاب و ارتباطی که با عناصر انقلابی با نفوذ داشتند و می‌توانستند لااقل با کتمان ارزش‌های بعضاً متفاوت خود با انقلابیون حاکم به مناصب و موقعیت‌های خوبی دست یابند (چنانکه بسیاری چنین کردند)، اما آنان با پافشاری بر ارزش‌های فرامادی خود، راه خود را از حکومت و مواهب آن جدا کرده و حتی تبعات و زیان‌هایی را نیز متحمل شدند. بعدها نیز علی‌رغم اینکه آقای ک (طبقه مرفه) زندگی مادی بهتری با تکیه بر توانایی‌های شخصی برای خود ساخته است، اما هر دوی این موارد در مراحل بعدی زندگی هزینه‌هایی را برای تأکید بر ارزش‌های فرامادی خود صرف کرده‌اند.

از سوی دیگر، ارزش‌هایی را که موارد ما در دوران بعد از بلوغ به آن پایبند بوده‌اند را با فضای اجتماعی محیط و روزگارشان بهتر می‌توان توضیح داد: در ایام انقلاب و نخستین سال‌های پس از آن، به دلایل مختلف، انسجام اجتماعی بسیار بالا بوده و ارزش‌های فرامادی

دیگر خواهانه (نظیر مبارزه برای آزادی و عدالت، فداکاری برای وطن، خدمت به هممنوعان، جهاد در راه خدا و...) بسیار در میان گروه‌ها و توده‌های مختلف مردم اهمیت و رواج داشته است. موارد مورد اشاره ما نیز (آقایان الف، کاف و ث) نیز در همین فضا ایام نوجوانی و جوانی خود را گذرانده‌اند و مخصوصاً در گروه‌هایی عضو بوده‌اند (مبارزان انقلابی، رزمندگان) که این ارزش‌ها به شدت ترویج می‌شده است. از سوی مورد خانم ت در مثال بالا (ازدواج) در دهه‌ای به این کنش دست زده (۸۰) که جامعه از حال و هوای دیگر خواهانه و منسجم اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ خارج شده و ارزش‌های فردگرایانه مادی به دنبال تغییرات سیاسی و اجتماعی در جامعه رواج یافته است.

بنابراین بهتر است بگوییم فرضیات کمیابی و اجتماعی شدن اینگلهارت توسط یافته‌های این پژوهش تأیید نمی‌شوند.

### الگوهای تغییر فرهنگی و انواع آن در میان موارد پژوهش

تقریباً همه موارد پژوهش در خانواده‌هایی مذهبی با سبک زندگی سنتی و در محیطی آکنده از مفاهیم و آموزه‌های دینی دوران کودکی و نوجوانی خود را گذرانده‌اند. تقریباً همه آنان تحت تأثیر این محیط و تجارب آن، در دوران مدرسه (تا پایان متوسطه) مذهبی‌تر و معتقدتر شده و به مناسک و دستورات و احکام مذهبی پایبند بوده‌اند. به نحوی که از سطح خانواده خود نیز فراتر رفته‌اند و جامعه‌پذیری ثانویه آنان در هماهنگی با جامعه‌پذیری اولیه بوده است. از اواخر دوران نوجوانی و جوانی به تدریج تغییرات آنها شروع شده و ناهماهنگی نسبی شناختی پیدا می‌کنند. روند تغییرات اغلب آنها در دوره دانشجویی و یا پس از آن اتفاق می‌افتد. در پایان تغییرات و دوره ثبات، اغلب آنان مفاهیم و مناسک مذهبی و دینی را کنار گذاشته، سکولار و عرفی شده و سبک زندگی خود را متناسب با آن سامان داده‌اند. اکنون طیفی از باورهای مشترک مدرن (مانند جدایی دین از سیاست) و باورهای نسبتاً مشترک مابعدالطبیعی درباره خداوند (از باور صرف به او و نه مذهب یا دین خاص، تا ندانم انگاری و نوعی آتئیسم ملایم) در میان آنها وجود دارد.

## الگوی تغییرات فرهنگی در میان زنان و مردان

مهم‌ترین وجوه تفاوت میان زنان و مردان پژوهش را می‌توان در میزان تأثیرگرفتن آنها از وقایع سیاسی و اجتماعی، تأثیر تجارب کلان و خرد بر تغییرات آنها و نیز تجربه حجاب و پوشش دانست.

مردان پژوهش، مشخصاً بیش از زنان درگیر فعالیت‌ها، دغدغه‌ها و وقایع سیاسی جامعه بوده‌اند و حتی غیرسیاسی‌ترین مردان (آقای شین) بیش از سیاسی‌ترین زنان (خانم عین) دغدغه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی دارد. مردان پژوهش به سیاست علاقه و توجه دارند و در مقابل اغلب زنان پژوهش می‌گویند که چیزی از سیاست نمی‌دانند یا از آن گریزانند. دلیل این تفاوت هرچه باشد، موجب شده است تا تغییرات اغلب مردان متأثر از این پدیده‌های کلان باشد و حتی در جایی که تجربیات خرد و شخصی آنان از عوامل تغییر بوده است، این تجربیات مرتبط با همین متغیرهای کلان باشد نه صرفاً احوالات شخصی. برعکس در مورد زنان باید گفت که عوامل مؤثر بر تغییر و نقاط عطف روایت آنان، اغلب، وقایع زندگی شخصی و محیط خانوادگی یا دوستانه آنان است. تنها موردی از زنان که توجه و دغدغه سیاسی و اجتماعی بیشتری دارد و اثر این وقایع کلان بر تغییرات او محسوس می‌باشد، خانم عین است.

عنصر مهم دیگری که در روایت زنان و مردان متفاوت است، تجربه پوشش و حجاب است. اگرچه همه موارد پژوهش بنا بر سابقه و تربیت خانوادگی خود در ابتدا حجاب را مهم و شرط خوبی و دین‌داری دانسته و (در مورد زنان) به آن پایبند بوده‌اند و اکنون این باور (و عمل) آنها تغییر یافته است، اما میزان درگیری زنان و مردان درباره این پدیده متفاوت است. در حالی که مردان به این ارزش و هنجار درکنار سایر عناصر فرهنگی خود (و حتی کمتر) توجه داشتند، تجربه‌های مرتبط با حجاب و تغییرات نگرشی و عملی آنان در روایتشان بسیار پررنگ بود. به نحوی که در گفتگو با مردان، شاید اگر تأکیدات و پرسش‌های پژوهشگر نبود، اشاره چندانی به آن نمی‌شد؛ در مقابل در روایت زنان، حجاب و داستان تغییرات آن در زندگی آنان نقش محوری دارد و حتی برای آنان پررنگ‌ترین عنصر تغییر به‌شمار می‌آید.

### مهمترین منابع شناختی و دیگری‌های مهم در روایت موارد پژوهش

همه موارد پژوهش تا ایام نوجوانی و جوانی، انسان‌هایی معتقد و مذهبی (با جلوه‌ها و قرائت‌های خاص خود) بوده‌اند. وجه مشترک منابع شناختی و ساختارهای مدخلیت همه آنان در این ایام،



خانواده، محیط و مدرسه مذهبی و آموزه‌های آنهاست؛ چه آنان که این دوران را قبل از انقلاب گذرانده‌اند و چه آنان که این ایام را در یکی دو دهه بعد انقلاب سپری کرده‌اند. در مورد دیگری مهم آنها در دوران جامعه‌پذیری اولیه، با ذکر این نکته که به دلیل زندگی در خانواده مذهبی، جلب رضایت و عاطفه والدین در مذهبی شدن اغلب آنان نقش داشته است؛ تنها در سه مورد از موارد پژوهش (آقایان الف، ک و ث)، می‌توان از فرد یا افراد دیگری نام برد که شامل تعریف دیگری مهم (تأثیر فکری مهم و رابطه عاطفی) گردند. در آن سه مورد، این دیگری‌های مهم شامل یکی از معلمان مدرسه (ک و ث) و نیز روحانیان باسواد جبهه (الف) می‌شوند. البته در مورد دو نمونه از زنان پژوهش باید از نقش برخی از معلمان در دوران مدرسه نام برد که اگرچه موارد ما با آنها رابطه عاطفی نداشته‌اند، اما آموزه‌های آنان که عمدتاً مبتنی بر ترس از خدا و عقوبت گناهان بوده، در مذهبی‌تر شدن و پایبندی بیشتر آنها به احکام دینی مؤثر بوده است.

اما در فرایند تغییر فرهنگی، می‌توان دیگری‌های مهم متعددی را تقریباً در مورد اکثر آنان مشاهده کرد که هر یک به نوعی تأثیرات مهمی در وقوع تغییر داشته‌اند. این دیگری‌های مهم طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند؛ از استادان دانشگاه (آقای الف و خانم عین) گرفته تا اقوام دگراندیش و غیرمذهبی (خانم میم) و استادان و دوستان دگراندیش (آقایان الف و ک و ث و شین و خانم‌ها عین و میم). نکته مهم در همه این موارد، پیوند نسبتاً عاطفی بین موارد پژوهش و دیگری‌های مهم زندگی‌شان در عین تأثیرپذیری فکری از آنان است.

همچنین در مورد ساختارهای مدخلیت مؤثر در فرایند تغییر موارد پژوهش می‌توان از فضای دانشگاه (آقای الف و خانم عین) و فضاهای دوستی و کاری (آقایان ک و ث و الف و شین و خانم ف و ت و میم) نام برد.

منابع شناختی موارد پژوهش در فرایند تغییر نیز شامل مطالعات دینی و فکری (تقریباً در مورد همگی)، گفتگو و بحث با دیگری‌های مهم و نیز حلقه دوستان و اطرافیان (آقایان ک و ث و الف و خانم‌ها عین و میم) و نیز سفرهای خارجی و مشاهده سبک زندگی جوامع دیگر (خانم‌ها ت و ف) است.

نکته مهم و جالب مشترک در روند تغییرات موارد پژوهش، آشنایی با آثار، کتب و سخنرانی‌های دکتر شریعتی در مورد شش تن از آنان (به جز خانم‌ها ف و ت) است. اغلب آنان آشنایی با شریعتی و افکار او را نقطه عطف تغییرات شناختی خود می‌دانند و تأثیر شریعتی بر

آنان عمیق و غیرقابل انکار است. آنها که بیشتر علاقه به مطالعه و تحقیق در این زمینه‌ها داشته‌اند (مردان پژوهش) بعد از شریعتی به مطالعه و پیگیری آثار و نظرات سایر روشنفکران دینی (مانند بازرگان، آل احمد، سروش، قابل و...) نیز روی می‌آورند.

### دامنه و شدت تغییرات فرهنگی

با اینکه نقطه صفر و عزیمت تغییرات در مورد همه موارد پژوهش تقریباً یکسان و شامل باور یا تقید کامل به مفاهیم و احکام دینی و سبک زندگی بر مبنای مذهب و عقیده است، وضعیت فعلی آنان (پس از تغییر) کاملاً یکسان نیست و می‌توان برای آن طیفی از خداباوری و مذهب رقیق شدن شبه‌مدرن تا ندانم‌انگاری و خدا‌نا‌باوری را در نظر گرفت. یک گروه از موارد پژوهش (خانم‌ها ف و ت) اکنون دارای خدا‌باوری به همراه رگه‌هایی از مفاهیم و رفتارهای مذهبی رقیق شده (مانند نمازخواندن گاه‌به‌گاه، زیارت و نذر و... ) بدون پایبندی و باور به سایر مفاهیم و احکام مذهبی هستند. آقای شین نیز اگرچه در مورد وجود خدا مطمئن نیست، اما گاهی این رفتارهای مذهبی رقیق از او سر می‌زند. خانم عین اگرچه به خدا باور دارد، اما هیچ‌گونه رفتار و باور مذهبی ندارد. آقایان ک و ث و الف نیز وجود خدا را در حوزه مجهولات خود می‌دانند (آن را کاملاً رد یا تأیید نمی‌کنند) و می‌گویند باورهای آنان اکنون به‌گونه‌ای است که وجود یا عدم وجود خدا تأثیری در آن ندارد، ضمن آن که هیچ‌گونه رفتار مذهبی و شرعی نیز ندارند (اگرچه لزوماً در همه محیط‌ها آن را آشکار نمی‌کنند). خانم میم نیز می‌گوید به‌جای خدا به‌وجود انرژی و اراده درونی انسان و تأثیر آن بر زندگی او باور دارد و هیچ‌یک از مناسک دینی را نیز باور نداشته و به جا نمی‌آورد.

### حوزه‌ها و سطوح تغییرات فرهنگی

عوامل مؤثر بر تغییرات مردان بیشتر در سطح کلان و تا حدی میانه (وقایع سیاسی و اجتماعی، تجربه مشاهدات شخصی و گروهی مرتبط با آن وقایع) و عوامل تأثیرگذار بر تغییرات اغلب زنان بیشتر در سطح خرد و تا حدی میانه (تجارب زندگی شخصی، خانوادگی و دوستانه و تا حدی متأثر از وضعیت کلی جامعه) است.

از میان مردان پژوهش، آقایان الف، ک و ث مشخصاً تحت تأثیر وضعیت کلان سیاسی و اجتماعی جامعه است. در مورد آقایان ک و ث وقایع، تحولات و تجربه‌های مرتبط با انقلاب

سال ۵۷ و یک دهه پس از آن و در مورد آقایان الف و شین نیز وقایع، تجارب و مشاهدات پس از جنگ، دوران سازندگی و ایام اصلاحات بیش از در فرایند تغییرشان مؤثر بوده است. خانم عین نیز به نوعی تحت تأثیر تحولات دوران اصلاحات و پس از آن است.

در مقابل خانم‌ها ت، ف و میم تغییرات خود را تحت تأثیر وقایع مرتبط با زندگی و احوال شخصی و گروه اطرافیان و دوستانشان تجربه کرده‌اند، اگرچه برخی از این وقایع، متأثر از شرایط روز جامعه است. خانم ت تحت تأثیر سختگیری‌ها و کنترل‌های محیط مذهبی خود به خصوص در ایام مدرسه و دانشگاه است. خانم ف تجربیات ناخوشایندی از افراد مذهبی (مانند پدر بزرگ و فامیل مادری، شوهر خواهر، بسیجی، روحانی و قاضی منکرات) دارد. خانم میم نیز علاوه بر تجربه ناخوشایندی از افراد مذهبی (مادر و شوهر خواهر)، تجربه یک عشق ناکام را در فرایند تغییرات خود به عنوان عوامل اصلی می‌داند.

جدول زیر دسته‌بندی الگو، شدت و سطح عوامل مؤثر بر تغییرات فرهنگی موارد پژوهش را

نشان می‌دهد:

جدول ۵- مشخصات و ویژگی‌های فرایند تغییر فرهنگی موارد پژوهش

مشخصات	وضعیت اولیه (قبل از تغییر)	وضعیت فرایند تغییر	وضعیت فعلی (پس از تغییر)
سن (سال)	۵۰	۶۰	۷۰
مرد	*	*	*
الف	۵۰	۶۰	۷۰
ب	۶۰	۷۰	۸۰
ج	۶۰	۷۰	۸۰
د	۶۰	۷۰	۸۰
ه	۶۰	۷۰	۸۰
و	۶۰	۷۰	۸۰
ز	۶۰	۷۰	۸۰
ح	۶۰	۷۰	۸۰
ط	۶۰	۷۰	۸۰
ی	۶۰	۷۰	۸۰
جمع‌بندی	۶۰	۷۰	۸۰

### جمع‌بندی

شناخت فرایند تغییرات فرهنگی افراد، مستلزم آگاهی و تسلط به روایت کامل زندگی و تجربیات آنان است. مطالعه و تحلیل روایت زندگی موارد پژوهش نشان می‌دهد که وقایع و تحولات کلان سیاسی و اجتماعی چند دهه اخیر، زمینه مهمی در فرایند تغییرات آنان است. این تغییرات، به دنبال ایجاد دوگانگی میان پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه و بروز ناهماهنگی

شناختی بین برخی از ارزش‌های فرد و نیز ارزش‌ها و واقعیت زیسته او صورت گرفته است. جهت این تغییرات عمدتاً از سمت ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی و مذهبی به‌سوی مدرن و عرفی است. اگر چه این تغییرات، تام نیست و پس از تغییرات نیز می‌توان رد پای برخی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای پیشین را در آنان مشاهده کرد. عوامل مهم تقویت‌کننده این تغییرات عبارتند از مقایسه عناصر فرهنگی سنتی و مدرن و حاملان آنها، مشاهده تضادها و تناقض‌های محیطی و اجتماعی، تغییر منابع شناختی و نیز دیگری‌های مهم زندگی فرد. همچنین از برخی کنترل‌های غیررسمی و رسمی اجتماعی و ترس از مجازات یا طردشدن می‌توان به‌عنوان عوامل بازدارنده تغییرات فرهنگی در فرد نام برد.

اگر چه فرایند تغییرات محدودی از موارد پژوهش متأثر از تجربیات شخصی‌تر آنان است، با این وجود (کم و بیش) به وضوح می‌توان رد پای تحولات کلان سیاسی و اجتماعی چند دهه اخیر ایران را در فرایند تغییرات فرهنگی همه موارد مشاهده و بازنمایی کرد.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۸)، «ارزش‌های فرهنگی - ارزشی و نوع تغییرات اجتماعی»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، تابستان ۱۳۸۸، ۱۵۹ - ۱۷۸.
- آزاد ارمکی، تقی و غیاثوند، احمد (۱۳۸۲)، فراتحلیل ارزش‌های جهانی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر (۱۳۸۶)، «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۳۰.
- احسانی، افسانه و نوغانی دخت‌بهمنی، محسن و مظلوم خراسانی، محمد (۱۳۹۴)، «تأملی بر ظرفیت‌های روش‌شناختی روایت‌پژوهی در علوم اجتماعی»، سومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۷)، «نظریه‌های توسعه‌نیافتگی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، انتشارات کیهان.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر.
- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پپیا (۱۳۸۷)، مقدس و عرفی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۲۰۰۹)، چگونه توسعه به دمکراسی راه می‌یابد؟، ترجمه کورش عرفانی، به نقل از سایت پژوهاک ایران، به آدرس [www.pezhvakeiran.com](http://www.pezhvakeiran.com)، ۲۰۰۹/۴/۱۴.
- برگر، پ و برگر، ب و کلنر، هانسفرید (۱۳۸۱)، ذهن بی‌خانمان نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، نشر تهران.
- برگر، پتر و لاکمن، توماس (۱۳۸۷) ساخت اجتماعی واقعیت؛ رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- پیران، پرویز (۱۳۶۷)، «برنامه‌ریزی توسعه برون‌زا»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵.
- توسلی، غلامعباس و ابوالفضل مرشدی (۱۳۸۶)، «بررسی سطح دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴.
- جنادله، علی (۱۳۸۶)، «بررسی روند تغییرات نگرش‌های فرهنگی - سیاسی در ایران، تغییرات فرهنگی در ایران» (مجموعه مقالات)، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشنامه شماره ۷، صفحات ۱۵ تا ۶۲

- جواهری، فاطمه (۱۳۸۶)، «کندوکاوی در آثار قشربندی جامعه: بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی اقتصادی دانشجویان بر گرایش‌ها و رفتار آنان»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۶: ۸۳ - ۱۱۶.
- خادمی، سمانه (۱۳۸۷)، بررسی تحول دین‌داری و شناخت زنان در ایران معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۷)، «روایت، روایت‌گری و تحلیل‌های شرح‌حال‌نگارانه»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی.
- ربیعی، علی (۱۳۸۹)، «شکاف درآمدی دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار مطالعه موردی ایران»، مجله راهبرد، شماره ۵۷، ۱۵۵ - ۱۸۰.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رای دهندگان در دوم خرداد ۷۶، نشر فرهنگ اندیشه، تهران.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، دانشگاه، دین، سیاست، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰)، توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- رنگین کمان، امیر (۱۳۸۶)، «تحول فرهنگی ایرانیان: تطبیق انتقادی نظریه اینگلهارت، تغییرات فرهنگی در ایران» (مجموعه مقالات)، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشنامه شماره ۷، صفحات ۱۶۱ تا ۱۹۶.
- روشه، گی (۱۳۸۱)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشرنی.
- شریعتی، سارا و ذاکری، علیرضا (۱۳۹۵) موقعیت دین در جامعه ایران، گزارش وضعیت اجتماعی کشور، شورای اجتماعی کشور، تهران.
- عبدی، عباس و گودرزی، محسن (۱۳۷۸)، تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات روش.
- عسکری خانقاه، اصغر و آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰)، «وضعیت پیوستاری تغییرات فرهنگی در ایران»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، شماره ۱۸، ۲۳۳ - ۲۵۴.
- فرجی، مهدی و کاظمی، عباس (۱۳۸۸) «بررسی وضعیت دین‌داری در ایران با تأکید بر پیمایش‌های سه دهه گذشته»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶.
- فروغی، علی (۱۳۸۶)، «بررسی روند تغییرات نگرشی در حوزه دین‌داری در ایران، تغییرات فرهنگی در ایران» (مجموعه مقالات)، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشنامه شماره ۷، صفحات ۱۲۹ تا ۱۶۰.

- فستینگر، ل. و ارونسون، ا. (۱۳۷۷) پیدایش و کاهش ناهماهنگی در بافت‌های اجتماعی در: روان‌شناسی اجتماعی، متون اساسی انگلیسی و آمریکایی، ترجمه پرویز سرنودی، دانشگاه تبریز.
- کراسول، جان (۱۳۹۱) پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران، نشر صفار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) مقدمه‌ای بر تحلیل نهادین مدرنیته در مدرنیسم، ترجمه و تدوین حسین نوذری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۹) «زیست‌جهان دانشجویان: به‌سوی چندگانگی مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر»، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۵۹.
- میرسندسی، سید محمد (۱۳۸۳)، مطالعه میزان و انواع دین‌داری دانشجویان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ناییبی، هوشنگ و آزادارمکی، تقی (۱۳۸۵)، «سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی (مطالعه موردی جامعه شهری تهران)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۳.
- وثوقی، منصور و اکبری، حسین (۱۳۸۹)، «روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها یک مطالعه تطبیقی»، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۵۹.
- وریج کاظمی، عباس و فرجی، مهدی (۱۳۸۲)، «عرفی‌شدن و زندگی روزمره»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۲.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی.

- Agar, M. (1980) Stories, background knowledge and themes: problems in the analysis of life history narratives, *American Ethnologist*, vol. 7(2).
- Berman, M. (1983) *All That Is Solid Melts into Air: The Experience of Modernity*. united nations of america: simon & schuster publication.
- Bogdan, R. (ed) (1974) *Being different: the autobiography of Jane Fry*, New York: John Willey and Sons.
- Braun, V & Clarke, V (2006) *Using thematic analysis in psychology*. *Qualitative Research in Psychology*.

- Bruner, J. (1990) Acts of meaning. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Burke, K. (1969) A grammar of motives. Berkeley: University of California Press.
- Fireston, Sarah Elizabeth, (2003) Value Change: Conscious Cognitive Dissonance Or
- Flick, Uwe (2006) An Introduction to Qualitative research, Sage Publication LTD.
- Griffin, Larry (1991) Taking History Seriously: Historical Logics and Sociological Explanation. Paper presented at the meeting of the American Sociological Association, August.
- Gunnell Martin (2007) Global Cultural Values Change And The Relationship With Telecommunications Change: A Longitudinal Analysis, Capella University.
- Inglehart Ronald and Christian Welzel (2005) Exploring the Unknown: Predicting the Responses of Publics not yet Surveyed. International Review of Sociology\*/Revue Internationale de Sociologie Vol. 15, No. 1.
- Inglehart Ronald and Paul R. Abramson (1994) Economic Security and Value Change, The American Political Science Review, Vol. 88, No. 2, pp. 336 - 354.
- Inglehart Ronald and Wayne E. Baker (2000) Modernization, Cultural Change, And The Persistence Of Traditional Values, American Sociological Review, Vol. 65
- Inglehart Ronald, Christian Welzel (2007(2005)) Modernization, Cultural Change, and Democracy. The Human Development Sequence, Cambridge University Press.
- Inglehart, R. (1997) Modernization and Post modernization: Cultural Economic and Political Change in 43 Societies: Princeton University Press.
- Johnson, Monical K. (1999) Change In Job Values: The Socializing Influence Of Experiences In Adulthood. University Of Minnesota.
- Kaufman, S. (1994) In - depth interviewing, in J. F. Gubrium and A. Sankar (eds) Qualitative methods in ageing research, London: Sage.
- Labov, W. and Waletzky, J. (1967) Narrative analysis: Oral versions of personal experience. In J. Helms (ed. ), Essays in the Verbal and Visual Arts. Seattle, WA: University of Washington Press.
- Rokeach, M. (1968) A Theory of Organization and Change within Value - Attitude Systems. Journal of Social Issues, 24, 13 - 33.
- Rokeach, M. (1973) The Nature of Human Value. New York: Free Press.
- Rosenthal, G. and Fischer - Rosenthal, W. (2004). The analysis of narrative biographical interview, in U. Flick, et al. (eds) A companion to qualitative research, London: Sage.
- Stryker, Robin (1996) Beyond versus theory: Strategic Narrative and Sociological Explanation, Sociological Methods Research, DOI: 10. Automated Process?. University of the Southern California.